

هر منوتیک سیاسی

این که دایما در فهم تعاملات سیاسی در میهن شیران گیج می‌شوید، گناه سیاست نیست؛ گناه شماسست که ابزار مناسب فهم این وضعیت را ندارید. یکی از چیزهایی که گیج‌تان می‌کند، بیانیتهای سیاسی رهبران سیاسی است. یک روز یکی از همین قهرمانان سیاسی‌تان بیانیتهای می‌دهد که دل‌تان را باغ‌باغ می‌کند. روزی دیگر، همان سیاستمدار بیانیتهای می‌دهد...

صفحه ۳



معاون رئیس جمهور به بی رحمی مشهور است، اما او ظاهر از بی رحمی پافراتر گذاشته است

کابل - جنرال عبدالرشید دوستم برای ۳۰ سال به‌عنوان یک جنگجو - شاه غیر قابل لمس در شمال افغانستان حکومت کرده است. نخست به‌عنوان یک جنرال بی‌رحم طرفدار [حکومت] کمونیستی، بعداً به‌عنوان یک متحد مسلح ایالات متحده علیه طالبان و سرانجام به‌عنوان ارباب سیاسی قابل اعتماد که می‌تواند رای پیروان ازبک‌اش را...



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



سال خونین خبر نگاران

اگر «آزادی بیان» را در نظر بگیریم، چه دستاوردی برای سه حکومت پس از طالبان می‌ماند؟ افغانستان مانند سال‌های گذشته، در شمار کشورهای جنگ‌زده، فاسد، فقیر و حکومت‌داری ضعیف است. خشونت علیه زنان نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است. در دو سال اخیر گزارش‌های تکان‌دهنده‌ی از تجاوز پدر به دختر و کشتن و سوزاندن زنان داشته‌ایم. دموکراسی هنوز پایه‌های لرزانی دارد و آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری که می‌توانست بازتابنده‌ی آن باشد، با دخالت گروه‌های سیاسی عملاً کارآیی اش را از دست داد. اعتماد به حکومت در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد و محبوبیت اشرف غنی حتی از یک سال پیش نیز کاهش یافته است. با این حساب، به نظر نمی‌رسد نکته‌ی قابل یادآوری‌ی برای ما بماند.

آزادی بیان گرچه به‌عنوان یک دستاورد مهم همواره یادآوری شده و کزری تاکنون دور از «ارگ» از آن به‌مثابه‌ی نقطه‌ی ثقل دستاوردهایش یاد می‌کند، اما با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بوده است. تا آن‌جا که به نظر می‌رسد، در حق این آزادی عملاً خیانت و در مورد آن دروغ گفته می‌شود. برخلاف تصور رایج...



بی‌خبری پارلمان و حکومت

از تصمیم دادگاه عالی

سرنوشت ۷ وزیر رد صلاحیت شده مبهم است



صفحه ۲

بدون نیاز به اینترنت

facebook



برای اشتراک در بسته‌های
دلخواه تان #۴۰۴* را دایل نموده
و رهنمایی لازم را تعقیب کنید.

برای لغو اشتراک: #۲۲*۴۰۴* را دایل نمایید

✓ دسترسی به نیوز فیدز

✓ تازه ساختن استاتوس

✓ پست آن وال

✓ پیام‌های سالگره

✓ بررسی فریند ریکویست

ماهانه

۴۰

افغانی

هفته وار

۲۰

افغانی

روزانه

۵

افغانی

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

یک‌شنبه	
۵ جدی	
۱۳۹۵	
سال پنجم	
شماره ۱۲۱۱	
۲	



یادداشت روز

سال خونین خبر نگاران

اگر «آزادی بیان» را در نظر نگیریم، چه دستاوردی برای سه حکومت پس از طالبان می‌ماند؟ افغانستان مانند سال‌های گذشته، در شمار کشورهای جنگ‌زده، فاسد، فقیر و حکومت‌داری ضعیف است. خشونت علیه زنان نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است. در دو سال اخیر گزارش‌های تکان‌دهنده‌یی از تجاوز پدر به دختر و کشتن و سوزاندن زنان داشته‌ایم. دموکراسی هنوز پایه‌های لرزانی دارد و آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری که می‌توانست بازتابندهٔ آن باشد، با دخالت گروه‌های سیاسی عملاً کارآیی‌اش را از دست داد. اعتماد به حکومت در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد و محبوبیت اشرف غنی حتا از یک سال پیش نیز کاهش یافته است. با این حساب، به نظر نمی‌رسد نکته‌ی قابل یادآوری‌یی برای ما بماند.

آزادی بیان گرچه به‌عنوان یک دستاورد مهم همواره یادآوری شده و کززی تاکنون دور از «ارگ» از آن به‌منابهی نقطه‌ی نقل دستاوردهایش یاد می‌کند، اما با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بوده است. تا آن‌جا که به نظر می‌رسد، در حق این آزادی عملاً خیانت و در مورد آن دروغ گفته می‌شود. برخلاف تصور رایج، آزادی بیان بیش از آزادی‌های دیگر در معرض تعرض و تحدید قرار دارد. از این حیث، افغانستان همزمان که کشوری جنگ‌زده است و با کشورهایمانند لیبیا و عراق قابل مقایسه است، با مکزیک و کشورهایی که در آن‌ها آزادی بیان با دشواری‌ها و تهدیدهای فراوانی روبه‌رو است، قابل مقایسه است. خبرنگاران و فعالان رسانه‌یی از دو سو در افغانستان درگیر جنگ‌اند. آن‌ها هزینه‌ی حضورشان در میدان جنگ و افشای فساد را همزمان می‌پردازند.

در ختم سال جاری میلادی، بر اساس آنچه دیدبان حمایت از رسانه‌ها «نی» گفته، خشونت علیه خبرنگاران در مقایسه با سال گذشته، ۴برابر افزایش یافته است. این رقم نگران‌کننده است. در این سال که از آن به‌عنوان خونین‌ترین سال برای خبرنگاران یادشده، ۴۰۰ مورد خشونت علیه خبرنگاران و فعالان رسانه‌یی ثبت شده است. ۱۴ خبرنگار نیز تاکنون کشته شده‌اند. در ارزیابی‌های سازمان گزارشگران بدون مرز، افغانستان از نظر میزان خشونت علیه خبرنگاران در کنار کشورهایی مانند سوریه، عراق، لیبیا و مکزیک قرار گرفته است. از پنج زن خبرنگار یا همکار رسانه‌یی که امسال کشته شده‌اند، سه تن آن‌ها در کابل کشته شده‌اند. سه زنی که در حمله‌ی مرگبار به کارمندان تلویزیون طلوع در کابل، جان‌های‌شان را از دست دادند.

به استثنای مکزیک یا کشورهایی که در آن‌ها سانسور رسمی دولتی بر رسانه‌ها حاکم است، مانند ایران، ترکیه یا چین، در کشورهای جنگ‌زده خبرنگاران اکثراً قربانی حملات نیروهای تروریستی بوده‌اند. از این حیث، سوریه «دوِخ خبرنگاران» نام گرفته است. چه این‌که تک‌تیراندازان داعش بارها خبرنگاران را هدف قرار داده‌اند. موصل نیز قصه‌ی مشابهی دارد. در افغانستان اما وضعیت تا حدی فرق می‌کند. در این کشور، دولت همواره در سطوح رسمی‌تر حامی رسانه‌ها و فعالان رسانه‌یی بوده است. آزادی بیان به‌منابهی اصلی غیر قابل تغییر به رسمیت شناخته شده و از آن حمایت شده است. با این‌حال، در کنار تهدید طالبان، حمله به خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ها از سوی این گروه که در کابل و هلمند رخ داد؛ مأموران دولتی نیز نقش غیر قابل اغماضی در اعمال فشار بر خبرنگاران داشته‌اند.

طالبان اغلب به این دلیل که رسانه‌ها برخورد همدلانه‌تری با شهروندان و دولت داشته، نگاه نفرت‌آمیزی به آن‌ها دارند. به همین دلیل دست‌کم در سطح علنی حمله به کارمندان تلویزیون طلوع به این گروه نسبت داده شد. نعمت‌الله زهیر خبرنگار تلویزیون آریانا در هلمند در حمله‌ی طالبان جانش را از دست داد. از این منظر، برخورد گروه‌های تروریستی با رسانه‌ها و خبرنگاران روشن است: آن‌ها می‌کشند. صرف‌نظر از این بخش، خبرنگاران با خشونت، تهدید و لت‌وکوب از سوی افراد قدرتمند دولتی و غیردولتی نیز مواجه‌اند. بر مبنای ارزیابی‌های یک نهاد مدافع خبرنگاران، ۸۱ درصد از خشونت‌ها علیه این گروه، از سوی افراد دولتی اعمال شده است. تهدید، توهین و تحقیر، لت‌وکوب و زندانی کردن خبرنگاران تاکنون بارها اتفاق افتاده؛ بی‌آن‌که کسی در برابر آن پاسخگو باشد. در یک مورد، مأموران امنیت ملی، بی‌هیچ توضیحی، اقدام به لت‌وکوب یک کارمند رسانه‌یی در کابل کردند. در لوگر نیز افراد مسلح یک خبرنگار را کشتند. تاکنون حداکثر کاری که از سوی حکومت و نهادهای امنیتی انجام شده، عرض تسلیت به موقع به خانواده‌های این خبرنگاران بوده است. باری، به نظر نمی‌رسد، غیر از عذرخواهی شتاب‌زده، بررسی بیشتری برای رسیدگی پرونده‌های خشونت علیه خبرنگاران انجام شده باشد.

به این ترتیب، افغانستان بدترین جا برای خبرنگاران است. آن‌ها از یک‌سو در میانهی جنگی در کار گزارشگری هستند که هیچ ضمانتی برای تأمین امنیت‌شان وجود ندارد. در میدان جنگ یا در حمله‌ی طالبان ممکن است به‌سادگی در میان کشته‌گان قرار بگیرند. از طرفی دیگر، حلفات زورمند نیز حاضر به تحمل خبرنگاران و کنجکاوِی آن‌ها نیستند و به‌راحتی برای متوقف کردن آن‌ها، دست به خشونت می‌زنند.

سال ۲۰۱۶ را در حالی پشت سر می‌گذاریم که چشم‌انداز آینده تاریک است. وضعیت امنیتی بدتر شده و حاکمیت قانون ضعیف‌تر. در حالی که حکومت می‌گوید مقرراتی برای حمایت از خبرنگاران وضع خواهد شد، به نظر نمی‌رسد، انتظار بهبود وضعیت آن‌ها را داشته باشیم. به‌خصوص در کشوری که از نهادهای عدلی آن گرفته تا نهادهای امنیتی غرق در ناتوانی و فساد است. یاد تمام خبرنگاران جان‌باخته گرامی.

اطلاعات روز: در حالی‌که در روزهای اخیر گزارش‌ها به‌نقل از منابعی در دادگاه عالی منتشر شد که نشان می‌داد دادگاه عالی تصمیم مجلس در مورد رد صلاحیت هفت وزیر را تایید کرده، اما اکنون هم حکومت و هم مجلس نمایندگان می‌گویند که از تصمیم دادگاه عالی اطلاعی ندارند.

ریاست‌جمهوری گفته است که تاهنوز به‌صورت رسمی فیصله‌ی دادگاه عالی در مورد سرنوشت وزیران سلب‌صلاحیت شده، به ریاست‌جمهوری نرسیده است.

شاه حسین مرتضوی، معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری ضمن ابراز این مطلب گفته: «همین‌که ستره‌محکمه تصمیمش را به ریاست‌جمهوری بفرستد، آن را با رسانه‌ها شریک می‌سازیم.»

همچنان احمدامید میثم، معاون سخن‌گوی ریاست اجراییه گفته که قصر سپیدار، منتظر تصمیم دادگاه عالی در خصوص وزیران سلب‌صلاحیت‌شده می‌باشد.

اطلاعات روز: «مرکز پژوهش و مطالعات افغانستان نوین» که برای تحقیق در زمینه‌ی منابع آبی کشور ایجاد شده، برآورد کرده که افغانستان تنها از ۳۰ درصد آب خود استفاده می‌کند و بقیه ۷۰درصد آن به کشورهای همسایه سرازیر می‌شود.

عبدالله هیواد، رییس «مرکز پژوهش و مطالعات افغانستان نوین» دیروز (شنبه، چهارم جدی) در مراسم گشایش این مرکز با تاکید بر پیوند بین ناامنی و منابع آبی افغانستان گفت که برخی از کشورهای همسایه می‌خواهند افغانستان همچنان ناآرام باشد تا آن‌ها از منابع آبی آن به‌صورت «رایگان» استفاده کنند.

آقای هیواد افزود که افغانستان تنها با کشور ایران در مورد استفاده از منابع آبی قرارداد رسمی امضا کرده و با دیگر کشورهای همسایه هنوز سندی امضا نکرده است.

حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین کشور نیز در این مراسم گفت که بخش بزرگ از آب‌های افغانستان به کشورهای همسایه سرازیر می‌شود و برای استفاده از این آب در کشور باید کاری شود.

آقای کرزی وضعیت جریان آب افغانستان به کشورهای همسایه را «نگران‌کننده» خواند و گفت اگر افغانستان آب کافی داشته باشد، حاضر است به همسایه‌ها «آب اضافی» بدهد، اما اگر نداشته باشد و بخواهد از آبش خودش استفاده کند، در آن صورت کشورهای همسایه باید درک کنند که افغانستان هم حق دارد به توسعه دست یابد.

اطلاعات روز: مقام‌های محلی ولایت قندوز گفته‌اند که فرد نفوذی گروه طالبان پنج همکارش در نیروهای خیزش مردم به‌شمول فرمانده‌اش را کشته است.

به گفته‌ی این مقام‌ها، این رویداد حوالی شام روز جمعه در منطقه‌ی جنگل‌باشی ولسوالی خان‌آباد قندوز رخ داده است. گفته می‌شود که این فرد وابسته به طالبان پس از تماس با افراد این گروه، هم‌قطاران و فرمانده‌اش را که در خواب بودند کشته‌است.

حیات‌الله امیری، ولسوال خان‌آباد گفته است مهاجم پس از

بی‌خبری پارلمان و حکومت از تصمیم دادگاه عالی سر نوشت ۷وزیر رد صلاحیت‌شده مبهم است

در مصرف ۷۰درصد بودجه‌ی توسعه‌یی در سال مالی ۱۳۹۴ استیضاح و هفت وزیر را سلب صلاحیت کرد. حکومت این تصمیم مجلس را نپذیرفت و آن را ناموجه خواند که پس از آن میان مجلس و حکومت تنش خلق شد.

پس از آن که حکومت در نشست فوق‌العاده‌ی کابینه، دوام کار وزیران رد صلاحیت شده را تا اعلام تصمیم دادگاه عالی تایید کرد، شماری از نمایندگان مجلس هشدار دادند که بودجه‌ی سال آینده را تایید نخواهند کرد. مجلس هفته‌ی گذشته بودجه‌ی سال مالی ۱۳۹۶ را به‌دلیل نامتوازن بودن رد کرد.

برخی از کارشناسان، تأخیر در فیصله‌ی دادگاه عالی در خصوص سرنوشت وزیران رد صلاحیت شده، رد بودجه‌ی سال مالی ۱۳۹۶ از سوی مجلس و ادامه‌ی کار هفت وزیر سلب صلاحیت شده از سوی حکومت را، یک بازی سیاسی عنوان کرده‌اند.

۷۰درصد آب افغانستان به کشورهای همسایه می‌ریزد

از سوی هم آقای کرزی از اسراف آب در کشور ابراز نگرانی کرد و گفت: «ما از آب‌های زیرزمینی به‌گونه‌ی وحشتناک استفاده می‌کنیم. در هر خانه چاه عمیق حفر می‌شود. به‌گونه مثال، زمانی در چمن ببرک‌خان آب فراوان وجود داشت، اما امروز که ۵۰ – ۴۰ متر حفر کنی، آب نیست.»

رییس «مرکز پژوهش و مطالعات افغانستان نوین» گفت که ارزیابی دقیق مقدار آب، تشخیص نیاز میزان نیاز مردم به آب و چگونگی جریان آب به کشورهای همسایه، از محورهای اصلی‌کار این نهاد است.

آقای هیواد در مورد سرازیر شدن آب افغانستان به پاکستان و ایران گفت: «به ارزش ۳۸ میلیارد دالر آب ما به پاکستان سالانه می‌ریزد و ۳۴ میلیارد دالر هم به ایران می‌رود، در حالی‌که این کشورها بالای ما ظلم روا می‌دارند.»

به گفته‌ی او، این دو کشور در مقابل این مقدار آب «یک پول» هم به افغانستان نمی‌دهند.

«حل مشکلات مرزهای افغانستان» و تحقیق در مورد خط مرزی بین افغانستان و پاکستان موسوم به «دیورند» از دیگر عرصه‌های کاری مرکز تحقیقاتی جدید عنوان شده است. آقای هیواد تأکید کرد که باید افغان‌ها بدانند که از کجا تا کجا حق آن‌هاست.

کرزی: به رسمیت نشناختن دیورند به معنای دشمنی با پاکستان نیست

اطلاعات روز: مقام‌های محلی ولایت قندوز گفته‌اند که فرد نفوذی گروه طالبان پنج همکارش در نیروهای خیزش مردم به‌شمول فرمانده‌اش را کشته است.

آقای امیری همچنان گفته که به‌دلیل نبود تشکیلات و سازماندهی منظم در میان نیروهایی خیزش مردمی احتمال نفوذ گروه طالبان همواره وجود دارد. به گفته‌ی امیر، این نیروها تشکیلات رسمی ندارند و افرادی که در محلات ناآرام علیه گروه طالبان سلاح به دست می‌گیرند، این نیروها را تشکیل می‌دهند و هیچ‌گونه معاش و اسلحه از دولت نمی‌گیرند.

یک نفوذی طالبان در قندوز پنج همکارش از نیروی‌های خیزش مردمی را تیرباران کرد

قبلاً شماری از رسانه‌ها گزارش داده بودند که مهاجم و کشته‌شده‌ها نیروهای پولیس ملی‌اند.

اما دفتر رسانه‌های فرماندهی پولیس قندوز در اعلامیه‌یی این گزارش‌ها را رد کرده و گفته است که آنان «افراد مسلح غیرمسئول و خیزش‌های مردمی» بوده‌اند.

حمله‌ی نفوذی طالبان و کشتن هم‌قطاران‌شان در افغانستان تازگی ندارد. پیش از این بارها گزارش‌های از حمله‌ی نفوذی طالبان علیه همکاران‌شان در صفوف نیروهای مسلح کشور منتشر شده بود.

حمله‌ی طالبان بر پاسگاه پولیس در مرکز فراه دست‌کم جان ۱۰ پولیس را گرفت

مقام‌های ولایت فراه گفته‌اند که در این رویداد شماری از مهاجمان هم کشته شده‌اند. محمد ناصر مهری، سخن‌گوی والی فراه گفته است که در این حمله هفت مهاجم مسلح کشته و چهار نفر دیگرشان زخمی شده‌اند.

گروه طالبان مسئولیت این حمله را به عهده گرفته و سخن‌گوی این گروه گفته که در آن ۹ سرباز کشته و پنج پولیس دیگر زخمی شده‌اند. ولایت فراه در ماه‌های اخیر شاهد ناامنی‌های شدید بوده است. طالبان در ماه میزان امسال تا نزدیکی شهر فراه پیش‌روی کردند.

وزیر مالیه: عواید داخلی در سال جاری ۲۵درصد افزایش یافته است

شرکت‌های خصوصی در پروژه‌های بزرگ اقتصادی و آماده‌کردن برنامه‌ی خدمات آسان چهار پروژه‌ی زیربنایی می‌باشد که قرار است در سال پیشرو عملی شوند.

وزیر مالیه افزود که برای جمع‌آوری عواید داخلی در سال ۱۳۹۶ نیز ۱۵۰ میلیارد افغانی هدف تعیین شده است. از سوی دیگر آقای حکیمی در مورد مصرف بودجه‌ی ملی سال ۱۳۹۵ صحبت کرد و گفت که در این سال ۷۴ درصد کل بودجه به مصرف رسیده است. به گفته‌ی وی، بیشتر از ۵۵ درصد بودجه‌ی توسعه‌یی و ۹۰ درصد بودجه‌ی عادی ۱۳۹۵ مصرف شده است.

ما توانیستم که ۱۶۵ میلیارد افغانی عواید جمع‌آوری نماییم که از هدف تعیین شده ۲۳ میلیارد افغانی و در مقایسه با سال گذشته ۴۳ میلیارد افغانی افزایش را نشان می‌دهد.»

آقای حکیمی گفت که آنان در سال پیش‌رو، پروژه‌های تازه‌یی را در بخش‌های گوناگون در این وزارت عملی خواهند کرد.

به گفته‌ی حکیمی، گردآوری ۱۵۰ میلیارد افغانی درآمد داخلی، عملی‌کردن برنامه‌ها در اداره‌های درآمدزا و گمرکات برای کاهش فساد، نهایی‌سازی طرح اشتراک

خبرنگار ناراضه

عادت دارد

چیزی بگوید...

ما افغان‌ها به استثنای بعضی از مقامات بلندپایه‌ی حکومتی، متفدین قدرت‌مند و رهبران تقریباً جل‌جلاله‌ی قومی، همه به این باور هستیم که پاکستان اصلاً همسایه‌ی خوبی نیست. تقریباً ۹۷٫۹ درصد مشکلات افغانستان را زیر سر این همسایه‌ی نامهربان می‌دانیم. شاید بزرگترین آرزوی سیاسی-ملی ما هم نابودی و به خاک یکسان شدن پاکستان باشد. این‌که این آرزوی ما چه قدر منطقی و عملی است، بماند در همان تاق بلند که کاکا جان کبری هم دستش به آن نمی‌رسد. یکی از موارد جنجال‌آفرین، خط دیورند است. من نمی‌دانم چند فیصد نفوس افغانستان خط دیورند را به رسمیت نمی‌شناسند. اما آقای کرزی به جای صد فیصد نفوس کشور، پای روی گرده‌ی این خط گذاشته و آن را قبول ندارد. او معتقد است که خط دیورند جفایی است که بر افغانستان تحمیل شده و در سلسله‌ی ادعاهای آن‌چنانی، ادعا کرده که پاکستان، هنگام امضا شدن این خط، اصلاً وجود نداشته. یعنی این خط میان افغانستان و انگلستان به امضا رسیده است. به باور آقای کرزی، معضل خط دیورند زمانی حل می‌شود که پاکستان بخشی از خاک فعلی خود را به افغانستان واگذار کند.

حالا بیایید در ذهن خود بررسی کنیم که این ادعای آقای کرزی چه قدر عملی است. فرض کنید همین فردا یک نفر بیاید دروازه‌ی خانه‌ی آقای کرزی را تک‌تک کند. وقتی در را به روی او گشوند، ببینند که یک نفر ناشناخته، ملبس به فورم بیست سال پیش آمده و یک عالم هم ناراحت است. او را ببرند پیش کرزی و او به کرزی بگوید که هی کرزی خانه! من فرزند فلانی، فلانی فرزند فلانی و همین‌طور گفته برود تا در پشت ششم با کرزی یک‌جای شود. بعد بگوید که دیدی آقای کرزی! من و تو از یک خانواده و از یک نسل و خانوار هستیم. کرزی هم سر بجنباند و بگوید که اوه اوه ماشاءالله ماشاءالله زما گرانه ورورا! شه راغلاست! شه راغلاست! چای بیاریم که میوه؟ کدامشه خوش داری؟ اما آن مرد بگوید که برای خوردن و نوشیدن نیامده‌ام. بعدش بگوید که دیروز از رادیو شنیدم که به پاکستان گفته‌ی که در زمان تقسیم خاک یا امضای خط دیورند، پاکستان اصلاً وجود نداشت. این گپت خوشم آمد. حالی هم آمده‌ام به تو بگویم که آن هشت هزار جریب زمینی که در قندهار و ارزگان متعلق به توست و حاصلش را این‌همه سال خورده‌ی، از این به بعد با من شریک کن. چون زمانی که این زمین‌ها تقسیم می‌شد، تو اصلاً وجود نداشتی. بناءً من قبول ندارم. تو باید بخشی از زمین‌های خود را به من بدهی.

فکر می‌کنید کرزی قبول خواهد کرد؟ نه، چرا قبول کند؟ مگر کرزی دیوانه است؟ پس چه کار خواهد کرد؟ آن مرد را در بهترین حالت، از دربارش بیرون می‌اندازد و تهدید می‌کند که این فکر احمقانه را از سرت بیرون کن و دیگر هم این طرف‌ها دیده نشوی. اگر هم آن مرد دوباره شله شود، چه یک لت جانانه بخورد.

یا فرض کنید همین فردا یک مقام پاکستانی به آقای کرزی نامه بنویسد و بگوید که آقای کرزی! اگر خط دیورند را قبول نداری، اگر فکر می‌کنی که پاکستان اصلاً وجود نداشت، بهتر آن است که سر از کشت ما برداری و بروی سراغ پدرکلان‌های بزرگوارت در گورستان‌ها. آن‌ها را از گور برخیزان و بپرس که چرا امضا کرده‌اند؟ مگر آن‌ها نمی‌دانستند که جغرافیا در حال تغییر بود؟ مگر هند آن زمان به آن‌ها ضمانت داده بودند که پاکستان به وجود نیاید؟ از یخ‌شان محکم بگیر، پاره کن و بپرس که پدرهای بزرگوار پدرسوخته! این چه کاری بود که شما کردید؟ مگر خبر نداشتید که بعدها، بچه‌های‌تان در رویای پشتونوالی گیر می‌کنند؟ مگر خبر نداشتید که همه مثل شما خاک‌بده نیستند؟ چرا این کار را کردید؟ بناءً آقای کرزی! اگر از بی‌مضمونی رنج می‌بری، بهتر آن است که فاصله‌ی که میان اقوام افغانستان، به فاصله‌ی که میان مردم و حکومت، به فاصله‌ی که میان افغانستان و زمان وجود دارد و هر روز هم بیشتر می‌شود، فکر کنی. دیورند دیورند گفته خود را نکش! حالا از فرضیات بیرون شویم. چندان مزه ندارد. راستی چرا کرزی این قدر عاشق دیورند است؟ من فکر می‌کنم او از بی‌مضمونی رنج می‌برد. شاید هم این حرف‌ها را می‌گوید تا مردم دیگر فکر نکنند که در زمان حکومت او، آی اس آی پاکستان، بیشتر از خود او که رییس‌جمهور بود، در ادارات مهم حکومتی نفوذ داشتند. شاید هم رویای مقدس پشتونوالی او را از جاده‌ی منطق و محاسبه دور نگه می‌دارد. کرزی است دیگر، عادت دارد چیزی بگوید... مهم نیست چه می‌گوید.

معاون رییس‌جمهور به بی‌رحمی مشهور است، اما او ظاهراً از بی‌رحمی پافراتر گذاشته است

■ واشنگتن پست/پاملا کانستیبیل ■ ترجمه: حمید مهدوی



برآن، او صرف یکی از چندین اربابان ملیشه‌ها است که حکومت غنی با آن‌ها مصالحه کرده است. در ماه سپتامبر، رییس‌جمهور با حمایت واشنگتن، با گلبدین حکمتیار، رهبر [حزب اسلامی] که برای مدت‌های طولانی فراری بود، به این امید موافقت‌نامه‌ی صلح امضا کرد که شورشیان طالب را به تداوم این سلسله متقاعد سازد. او اکنون از سازمان ملل خواسته است تا نام حکمتیار، متحد دوران جنگ سرد امریکا، را از یک فهرست مبارزه با تروریسم بردارد.

پتریکا گوسمن، کارشناس ارشد مسایل افغانستان در دیده‌بان حقوق بشر در امریکا در ایمیلی نوشت: «دوستم ممکن نمونه‌ی معافیت در افغانستان باشد، اما او متمایز از دیگران نیست». اگر رییس‌جمهور غنی می‌خواهد نشان بدهد که در مورد پاسخگویی جدی است، این کار نمی‌تواند با دوستم آغاز و با او ختم شود و این کار نمی‌تواند انتخابی باشد. نمایندگان دوستم حل مسأله‌ی ایشچی از طریق یک گروه‌مبای سستی بزرگان را پیشنهاد کرده‌اند، روندی که در آن ممکن و ابراز پیشیمانی کند یا به زندگی در خارج توافق کند. دستیاران غنی تأکید دارند که اگر شواهد کافی برای تحت تعقیب قرار دادن دوستم جمع‌آوری شود، او احتمالاً از معاونیت ریاست‌جمهوری خلع خواهد شد. اما آن‌ها هم چنان اذعان می‌کنند که محاکمه‌ی او یا وادار کردن او به ترک کرسی‌اش از لحاظ قانونی پیچیده است و از لحاظ سیاسی پرمخاطره.

با این حال، حتی اگر دوستم از پیگرد قانونی سرباز زند، اتهامات ایشچی توجه جدیدی را به دیگر رویدادها در گذشته‌ی این جنرال جلب کرده است. صحبت‌هایی از بازگشایی پرونده‌ی بین‌المللی جنایات جنگی برای آنچه که خفه ساختن انبوهی از زندانیان طالبان در سال ۲۰۰۱ خوانده می‌شود، وجود دارد و چندین تن در در مورد پرونده‌های پیشین بدرفتاری‌ها صحبت کرده‌اند. به گفته‌ی اکبرابای، یک سناتور افغان که در حال حاضر فوت کرده است به دستور دوستم مورد تعرض جنسی قرار گرفت.

احتمالاً تسلط این جنگ‌سالار پیر بر صدها هزار ازبک در شمال در حال ضعیف شدن است. مجموعه‌ی سیاست‌مداران با تحصیلات بهتر و میانه‌روتر که در پارلمان یا دیگر پست‌ها فعالیت دارند، دوست دارند فعال و مهم باشند. آن‌ها اظهار می‌کنند که از بین رفتن موقف دوستم، سرانجام به آن‌ها اجازه خواهد داد تا سلطه‌ی او را به چالش بکشند. قدرت الله ذکی ۴۵ ساله، یک قانون‌گذار ازبک‌تبار و متحد غنی، گفت: «در گذشته، رهبران ما شاعران و دانشمندان بودند، اما با تهاجم روسیه، جنگ‌سالاران و بی‌سوادان به قدرت رسیدند.» «بسیاری از مردم، به‌شمول آن‌هایی که از دوستم حمایت کردند، درک می‌کنند که اخلاقاً او واجد شرایط این موقف نیست». او اضافه کرد: «زمان استبداد به‌سر رسیده است. ما باید با مسائل واقعی رودررو شویم و باید دوباره امید ایجاد کنیم».

در ترکیه برود. بسیاری از افغان‌ها نسبت به توانایی غنی در اجرای عدالت در حق این جنگ‌سالار پیشین شک و تردید دارند. اختلافات داخلی و آنچه که فقدان مشروعیت خوانده می‌شود حکومت او را تضعیف ساخته است، در حالی که انتخابات مجلس بارها به تعویق افتاده است. این امر [حکومت] را در برابر فشارها از طرف گروه‌های خارجی که چندین گروه آن توسط دیگر رهبران پیشین ملیشه‌ها، به‌شمول رقیبان دوستم، اداره می‌شوند، آسیب‌پذیر ساخته است.

رییس‌جمهور که در سال ۲۰۱۴ با وعده‌ی اصلاحات و مدرن ساختن دموکراسی افغانستان به قدرت رسید، با مصالحه‌های سیاسی خودش نیز شیخ‌زده شده است. او یک بار دوستم را به‌عنوان یک جنایتکار جنگی محکوم کرد اما پس از آن در تلاشی برای به‌دست آوردن رای ازبک‌ها او را به تکت انتخاباتی خودش دعوت کرد. حامد کرزی، رییس‌جمهور قبل از، نیز با وجود ادعاها مبنی بر بی‌رحمی‌های دوستم در میدان نبرد به دنبال جلب حمایت دوستم بود.

غنی اظهار داشت که دوستم اصلاح شده است و گفت که او «با یک ملیشه برای تصرف کابل نمی‌آید». غنی اضافه کرد: «او با کت‌وشلوار می‌آید تا پراساس یک انتخابات دموکراتیک معاون رییس‌جمهور باشد و این تغییر بنیادین است». دوستم خودش را در این کت‌وشلوار راحت احساس نکرد و بیشتر وقتش را در سنگر مستحکمش در شهر شمالی شیرخان به‌سر برد. در خزان سال جاری، او بر رهبری ملیشه‌هایش برای جنگ با طالبان تأکید کرد و سپس، وقتی طالبان در کمینی ۵۰ تن از سربازان او را کشت، دستیاران غنی را به توطئه علیه خودش متهم کرد.

اکنون، با این رسوایی، دوستم استوار و مصمم است. او، با امتناع از ترک شیرخان، اتهام حمله و بدرفتاری را توطئه‌ی سیاسی دیگر نامید، ایشچی را به همکاری با طالبان متهم کرد و از طریق واسطه‌ها اعلام کرد که هرگز به خودش اجازه نمی‌دهد که از او بازپرسی شود یا از مقامش برکنار شود. آن‌ها هشدار می‌دهند که این‌گونه اقدامات می‌تواند آغازگر مقاومت قوی و هرج‌ومرج سیاسی شود.

بشیر احمد تیج، سخن‌گوی او، با اذعان به این‌که ممکن محافظان دوستم با ایشچی «بدرفتاری کرده باشند»، گفت: «جنرال دوستم به هیچ‌کسی پاسخگو نیست. ما از بازپرسی استقبال می‌کنیم، اما حکومت باید بسیار محتاط باشد که [مسأله] را کلان یا سیاسی نسازد». او گفت، دوستم «یک تاریخ طولانی دارد و او محبوب‌ترین رهبر در افغانستان است. او توسط مردم انتخاب شده و هیچ‌کسی نمی‌تواند آن را برطرف کند».

دوستم هنوز دوستان با نفوذی دارد، تعدادی از این دوستی‌ها به همکاری او با نیروهای ویژه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا که در اواخر سال ۲۰۰۱ علیه طالبان جنگیدند، برمی‌گردد. او هم‌چنین از دهه‌ی ۱۹۸۰، زمانی که فرمانده نظامی طرفدار کمونیست بود، در روسیه و آسیای میانه روابطی دارد. علاوه

کابل - جنرال عبدالرشید دوستم برای ۳۰ سال به‌عنوان یک جنگجو - شاه غیر قابل لمس در شمال افغانستان حکومت کرده است: نخست به‌عنوان یک جنرال بی‌رحم طرفدار [حکومت] کمونیستی، بعداً به‌عنوان یک متحد مسلح ایالات متحده علیه طالبان و سرانجام به‌عنوان ارباب سیاسی قابل اعتماد که می‌تواند رای پیروان ازبک‌اش را تحویل بدهد. دوستم از دیروقت بدین‌سو به‌خاطر ظلم و ستم‌اش بدنام بوده است: قرار گزارش‌ها او دستور داده است تانک‌ها از روی پاهای دشمنانش بگذرند و به خفه کردن صدها زندانی طالب در کانتینرهای مهروموم شده متهم است. هم‌چنین او به‌خاطر خشم‌های خشونت‌آمیز و توام با بدرفتاری‌اش مشهور است. اما هیچ‌یک از این اتهامات هیچ‌گاهی او را دچار مشکل جدی نکردند. به چالش کشیدن او یا بسیار ترس‌آور بود یا بسیار مهم.

اما اکنون، دوستم احتمالاً پافراتر از آن‌ها گذاشته است. آخرین قربانی او، والی پیشین ۶۳ ساله به‌نام احمد ایشچی، در تلویزیون دوستم را متهم کرده است که در ماه نوامبر او را به زندان انداخته، لت‌وکوب کرده و دستور تجاوز به او را صادر کرده است. ایشچی هم‌چنین در یک شفاخانه‌ی ارتش امریکا آزمایش پزشکی شده است. این بار، دوستم ۶۲ ساله، یک جنگ‌سالار نیست بلکه معاون رییس‌جمهور در حکومت مورد حمایت امریکا و اروپا است و به اندازه‌ی یک ضریبان قلب با جانشینی رییس‌جمهور اشرف غنی فاصله دارد.

و این بار افغان‌ها در سراسر کشور - به‌شمول افرادی از اقلیت قومی خود دوستم (ازبک‌ها) که زمانی خاموش بودند - به این هتک حرمت عکس‌العمل نشان می‌دهند. رسانه‌های اجتماعی با جوک‌ها و تصاویر زنده‌ی از اشرف غنی و دستیاران او که شلوارهای فولادین به تن دارند، منفجر شد. این مرد زبر و خشن قدرتمند، که مدت زیادی منطبقه‌ی مرزی با آسیای میانه را در کنترل داشت و علناً تضرع‌کننده‌ها را به بوسیدن دستش وادار می‌کرد، به یک شرم ملی تبدیل شده است. غنی، مقام پیشین بانک جهانی، از سوی کمک‌کنندگان غربی تحت فشار است که دوستم را تحت پیگرد [قانونی] قرار بدهد و وظیفه‌اش را به حالت تعلیق درآورد. بسیاری از کارشناسان افغان این را شانس برای غنی می‌دانند که در زمینه‌ی تثبیت حاکمیت قانون در جامعه‌ی که در آن از دیروقت بدین‌سو فرهنگ جنگ‌سالاری حاکم بوده است، موفقیت کلانی داشته باشد یا کاملاً شکست بخورد. دادستان کل هفتگی گذشته اعلام کرد که ادعا «به‌شکل حرفه‌ی» و «بی‌طرفانه» در حال بررسی است.

اکبرابای ۷۰ ساله، تاجر ازبک‌تبار که ادعا کرد در سال ۲۰۰۶ دوستم در حالت مستی او را مورد ضرب‌وشتم قرار داده است، گفت: «اگر دوستم دستگیر نشود، رسوایی کلان خواهد بود و حکومت اعتبارش را از دست خواهد داد». این رویداد [رویداد ضرب‌وشتم اکبرابای توسط دوستم] در حالی پایان یافت که پولیس خانه‌ی جنرال پیشین را در کابل ماه‌ها محاصره کرد تا این‌که سرانجام او توافق کرد به تبعید

آیادولت اسلامی در افغانستان و پاکستان آینده دارد؟

ظاهراشاخه‌ی دولت اسلامی در آسیای جنوبی محکوم به شکست است

■ دیپلمات/داوود ختک ■ ترجمه: حمید مهدوی

در سه ماه آخر سال جاری شاهد چند حمله‌ی بزرگ محدود توسط گروه‌های وابسته به دولت اسلامی در افغانستان و پاکستان بوده‌ایم؛ حملاتی که مایه‌ی شگفتی بسیاری‌ها در مورد توانایی، قابلیت‌ها و چشم‌انداز آینده‌ی این گروه در این منطقه شد. هدف حمله‌ی در ماه اکتوبر ۲۰۱۶ یک اکادمی آموزش پولیس در حومه‌های کوئته، مرکز ایالت فقیر بلوچستان پاکستان، بود. در حمله‌ی دیگری در ماه نوامبر، یک بمب‌گذار انتحاری خودش را وسط نمازگزاران در یک زیارتگاه صوفیان در هب، منطقه‌ی دورافتاده‌ی در همین ایالت، منفجر ساخت. هر روزه گزارش‌هایی از تصرف یک روستا و کشتن یک مقام توسط داعش یا کشته شدن سربازهای این گروه در جنگ با نیروهای افغانستان یا هدف قرار گرفتن آن‌ها توسط هواپیماهای بدون سرنشین در این منطقه می‌بینیم.

پرسش کلیدی این است که آیا داعش می‌تواند در آینده نزدیک در منطقه‌ی افغانستان و پاکستان حضورش را دوامدار بسازد؟ با مد نظر گرفتن چند عامل کلیدی می‌توان به نتیجه‌ی منطقی دست یافت.

رهبری

از زمان ظهور ولایت خراسان دولت اسلامی در ماه جنوری ۲۰۱۵، تقریباً تمام اعضای ارشد بنیان‌گذار آن یا در جنگ با نیروهای افغان و بین‌المللی یا در نتیجه‌ی حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی کشته شده‌اند. حفیظ سعیدخان، رهبر سابق ناراضی تحریک طالبان پاکستان؛ ملا رثوف خادم، یکی از رهبران بانفوذ طالبان افغانستان؛ شاهدالله شاهد، سخن‌گوی پیشین تحریک طالبان پاکستان و یک فرد ارتباطی کلیدی بین ولایت خراسان دولت اسلامی و رهبری دولت اسلامی مستقر در سوریه؛ گل‌زمان فتیح، یکی از رهبران پیشین تحریک طالبان پاکستان و معاون حفیظ سعید خان □ همه، پس از بنیان‌گذاری این گروه در حملات هواپیماهای بدون سرنشین و عملیات‌های نظامی کشته شدند.

باوجود ابزارهای تبلیغاتی و کمپاین قوی و تاحدودی موثر این گروه در شرق افغانستان و بخش‌هایی از مناطق قبایلی پاکستان، رهبر کاریزماتیک باقی‌نمانده است که از سربازهای تازه‌استخدام‌شده یا آن‌هایی که علاقمندی به پیوستن به این گروه را دارند، سرپرستی و مواظبت کند. تحریک طالبان پاکستان که زمانی یک تحریک مخوف بود، به‌زودی به‌دنبال از دست دادن رهبران کلیدی‌اش مانند بیت‌الله محسود و حکیم‌الله محسود در حملات هواپیماهای بدون سرنشین به ترتیب در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ از هم پاشید. در اواخر سال ۲۰۱۵، دولت اسلامی در حداقل هشت ولسوالی ولایت ننگرهار حضور مشهود داشت. صرف یک سال بعد، حوزه‌ی نفوذ آن اکنون به سه ولسوالی اچین، کوت و نازیان در ولایت ننگرهار و حمایت محدود در ولایت شرقی و کوهستانی کنر محدود می‌شود. طالبان افغانستان تا زمانی که ملا عمر، به‌اصطلاح امیرالمومنین آن، زنده بود، متحد ماندند. شکاف‌ها در طولانی‌ترین ستیزه‌جویی جهان، به‌زودی پس از اعلان مرگ عمر و صعود یک مرد به‌عنوان جانشین او، برای نخستین‌بار آشکار شد.

رقیبان قوی

در حالی که ارتش قوی پاکستان تقریباً ستیزه‌جویان «ناخواسته» را از مناطق قبایلی‌اش که متشکل از هفت منطقه (وزیرستان شمالی و جنوبی، کرم، اوراکزی، خیبر، مهمند و باجور) است، از بین برده است، اکثریت آن‌هایی که زنده فرار کرده‌اند اکنون در شرق افغانستان در دره‌ها و ولسوالی‌هایی که در آن‌جا اقتدار حکومت افغانستان ضعیف است، پناه برده‌اند. ریاست امنیت ملی افغانستان ابتدا از برخی از این ستیزه‌جویان که اکثراً از مناطق قبایلی خیبر و اوراکزی پاکستان هستند، استقبال کرد تا با حمایت پاکستان از شبکه‌ی حقانی و طالبان افغانستان مقابله کند. اما این اقدام نتایج معکوس داشت



کشمکش فرقه‌ی

افراد وابسته به دولت اسلامی در افغانستان و پاکستان از اعتقادات سختگیر سلفی پیروی می‌کنند که علمای دیوبندی و پیروان آن‌ها را خرافاتی می‌دانند. اکثریت رهبران طالبان پاکستانی، به‌دلیل همکاری دیرینه و تماس‌های نزدیک‌شان با جهادی‌های القاعده در مناطق قبایلی، تحت نفوذ سلفی قرار گرفته‌اند. ستیزه‌جویان سلفی هیچ احترامی به رهبران احزاب مذهبی در پاکستان قایل نیستند. به‌طور مثال، طالبان افغان به حزب جمعیت علمای اسلامی مولانا فضل‌الرحمان به‌رهبری مولانا سمیع الحق، عالم مذهبی دیگر، احترام بسیار قایل‌اند. اما رهبری دولت اسلامی آن‌ها را دست‌نشاندهی «ارشد و حکومت مرتد» در تبلیغات‌شان می‌دانند.

رسم و رسوم محلی

رسم و رسوم مسخره‌ی محلی که در جامعه‌ی افغانستان قوی‌تر از هر اعتقادی هستند نیز ولایت خراسان را درگیر کشمکش‌ها با مردم محل می‌کند. به‌طور مثال، دیدوبازدید از قبرهای اعضای خانواده در مناسباتی چون عید، رسمی است که در میان مردمی که در دو طرف خط دیورند زندگی می‌کنند به‌صورت گسترده مشاهده شده است. با این حال، جهادی‌های سلفی تمام کسانی که از قبرها بازدید می‌کنند را مشرک و از این‌رو مرتد می‌دانند.

وقتی یک جنگ‌سالار تحت نفوذ سلفی‌ها زیارتگاه رحمان بابا، شاعر صوفی قرن ۱۶ را در ماه مارچ ۲۰۰۹ بمب‌گذاری کرد، این کار او به‌صورت گسترده از تمام نقاط افغانستان و پاکستان محکوم شد. طالبان سلفی مستقر در منطقه‌ی قبایلی خیبر پاکستان این بمب‌گذاری را انجام داده بود، چون آن‌ها باور دارند بازدید از زیارتگاه‌ها و دعا کردن [در آن‌جا] غیر اسلامی است. اکثریت طالبان افغان و هم‌چنین جامعه‌ی افغانستان پیرو دیوبندی و حنفی هستند. به‌عین ترتیب، در طرف پاکستانی مرز، افراد پیرو دیوبندی و بریلوی هستند و ولایت خراسان هردو فرقه را مشرک می‌دانند.

خستگی از جنگ در میان افغان‌ها

ظهور طالبان در سال ۱۹۹۴ و تصرف کابل توسط آن‌ها در مدت دو سال یک معجزه نبود. جدا از دیگر عوامل، به‌شمول حمایت پنهانی پاکستان، خستگی مردم عادی افغانستان از جنگ داخلی دوامدار و حضور جنگ‌سالاران نیز یک نقش کلیدی ایفا کرد. افغان‌ها که در جریان تهاجم شوروی درد و رنج متحمل شدند، با خروج شوروی‌ها در سال ۱۹۸۸ اشعه‌ی شعاع امید دیدند. با این حال، جنگ‌های داخلی آرزوهای آن‌ها را در هم شکست و آن‌ها منتظر یک موعود ماندند. همه از ظهور طالبان استقبال کردند و این ستیزه‌جویان از

طرف مردم روحیه و حمایت مادی گسترده‌ی دریافت کرد. اما پانزده سال بعد از سرنگونی طالبان، قضیه این نیست. امروزه، مردم افغانستان هیچ علاقه‌ی به هیچ گروه مسلحی، به‌شمول طالبان و ولایت خراسان، ندارند.

منابع مالی

منابع مالی بزرگ می‌تواند در زمینه‌های چون تسریع تبلیغات از طریق رسانه‌های متعارف و رسانه‌های اجتماعی و هم‌چنین به‌دست آوردن وفاداری بزرگان قومی، فرماندهان دیگر گروه‌های ستیزه‌جو و حتا مقام‌های حکومتی کمک کند. احتمالاً این امر به نفع ولایت خراسان کارسازی کرده است چون دولت اسلامی در سوریه منابع بزرگ نفت را در کنترلش دارد. با این حال، عقب‌نشینی داعش از شهرهای کلیدی در عراق و سوریه ضربه‌ی به آرزوهای رهبران و حامیان ولایت خراسان است که فکر می‌کردند سهم خوبی از توسعه‌ی «جهاد» شان در افغانستان به‌دست خواهند آورد. تنها روش‌هایی که اکنون برای ولایت خراسان باقی مانده است کمک از منابع در کشورهای خلیج، اخاذی و باجگیری است که برای حمایت فعالیت‌های جهادی‌ها در یک مقیاس کلان‌تر کافی نیست.

حمایت (دولت) خارجی

ستیزه‌جویی هرگز در مقابل یک قدرت دولتی برای مدت طولانی دوام نمی‌آورد، مگر این‌که حمایت بازیگران یا دولت‌های قوی را با خود داشته‌اند. مجاهدین افغانستان اتحاد جماهیر شوروی آن زمان را مجبور به ترک کشور کردند، صرف به این دلیل که آن‌ها حمایت کامل جامعه‌ی جهانی را با خود داشتند و از پناهگاه‌های امن در کشور همسایه‌ی پاکستان برخوردار بودند. طالبان غلبه کردند و تاکنون، با وجود جنگ ۱۵ ساله‌ی ایالات متحده و حامیان بین‌المللی آن، یک نیروی توانمند است به‌دلیل این که آن‌ها یک پایگاه حمایتی در پاکستان دارند. حضور رهبران آن‌ها در مناطق قبایلی پاکستان یا حتا در شهرها بر هیچ‌کسی پنهان نیست. با این حال، ولایت خراسان تاکنون حمایت مشهود هیچ بازیگر یا دولت قوی در کشورهای همسایه یا در منطقه را با خود ندارد.

نرمی‌ی وجود نخواهد داشت

ایران شیعه و پاکستان سنی، دو نزدیک‌ترین و قدرتمندترین همسایه‌ی افغانستان، از زمان خروج سربازان شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۸ تاکنون هرگز همسو نبوده‌اند. دشمنی و خصومت آن‌ها در زمان رژیم طالبان در کابل به اوجش رسیده بود. دوست یکی دشمن دیگری بود. با این حال، در مورد ولایت خراسان دولت اسلامی، ظاهراً هردو کشور همسایه [افغانستان] در مورد این تهدید همسو هستند. گزارش‌ها در مورد نیمه‌ی دوم ماه دسامبر حتا نشان دادند که تعدادی از رهبران ارشد طالبان در کنفرانسی که در یک دانشگاه در تهران برگزار شده بود، شرکت کردند که این نشانه‌ی واضحی است که «دشمن دشمن من، دوست من است». به همین ترتیب، ولایت خراسان دولت اسلامی حکومت و ارتش پاکستان را در مواد تبلیغاتی‌شان «مرتد» می‌خواند. در این صورت، هیچ شانس برای نرمی از طرف نهادهای امنیتی قوی پاکستان وجود ندارد. از آن‌جایی که ولایت خراسان از یک جهاد بدون مرز حمایت می‌کند که آن‌ها باور دارند صرف با تأسیس دولت خراسان با تصرف افغانستان، پاکستان، بخش‌هایی از ایران، آسیای میانه، بخش‌های شرقی چین و روسیه می‌تواند به اروپا توسعه یابد، نگرانی شدیدی از ناحیه‌ی این گروه در پایتخت تمام این کشورها وجود دارد.

گروهی که با رقیبانش اختلاف دارد، با رسم و رسومات محلی در کشمکش و تنازع قرار داشته باشد و تمام بازیگران کلان در یک زون مشخص آن را تهدید بدانند، بعید است که رشد کند. رشد آن نمی‌تواند چیزی کمتر از یک معجزه باشد.

آن پرده نشین ها چه کسانی اند؟

عمران راتب



چهلک

سخن سخیداهاتف

هر منوتیک سیاسی

این که دایما در فهم تعاملات سیاسی در مین شیران گیچ می شوید، گناه سیاست نیست؛ گناه شماست که ابزار مناسب فهم این وضعیت را ندارید. یکی از چیزهایی که گیچ تان می کند، بیانیه‌ی سیاسی رهبران سیاسی است. یک روز یکی از همین قهرمانان سیاسی تان بیانیه‌ی می دهد که دل تان را باغ‌باغ می کند. روزی دیگر، همان سیاستمدار بیانیه‌ی می دهد که همان دل باغ‌باغ شده‌ی شما را سوراخ سوراخ می کند. گیچ می شوید. من برای رهایی شما از این وضعیت یک ابزار تفسیری خدمت تان عرضه می کنم که شاید در مواقع مختلف به دردتان بخورد. مثلا فرض کنید شما نیز در جمع اپوزیسیون دولت هستید. به کمک این چارچوب تفسیری می توانید موضع رهبران تان را بهتر بفهمید:

قهرمان سیاسی تان: هر کسی که با این رژیم فاشیستی و قبیله‌گرا معامله کند، به عنوان خاین به خوان شهدا و آرمان‌های بزرگ ملت قهرمان ما طرد خواهد شد. تفسیر: دیگران رفته‌اند برای سهم خواهی. نفر شما را خیر نکرده‌اند.

قهرمان سیاسی تان: ما اگر تا حالا خاموش بودیم و خون جگر می خوردیم به خاطر مصالح علیای مملکت و پامال نشدن خون شهدا بود. به زودی چیزهایی را با مردم شرافتمند خود در میان خواهیم گذاشت و پرده از خیانت‌های مزدوران بیگانه بر خواهیم داشت.

تفسیر: به نفر شما سهم داده‌اند، اما خیلی کم. آن قید «به زودی» یک ماه است. در این یک ماه دولت فرصت دارد که بیشتر بدهد.

قهرمان سیاسی تان: در این اوضاع و شرایط حساس که وطن عزیزمان، خانه‌ی مشترک همه‌ی ما، از چهارسو مورد تهاجم و توطئه قرار دارد، ما نیاز به همدلی و وحدت داریم. ما از رییس جمهور گله داریم، اما با او و دولت‌اش خصومت نداریم.

تفسیر: به نفرتان قول داده‌اند که سهم‌اش را بیشتر می کنند، به شرطی که او دست از غالمغال اضافی بردارد. قهرمان سیاسی تان: بعضی از دوستان کم تجربه، که در نیت خیرشان شکی نیست، طوری از برانداختن حکومت حرف می زنند که گویی فجایع دو دهه پیش کشور را فراموش کرده‌اند. توصیه‌ی من به این برادران این است که در شرایط حساس کنونی داشتن این حکومت نعمت الهی است. مسئولان محترم دولت و شخص رییس جمهور تلاش شبانه - روزی می کنند تا مشکلات حل شوند. اما حل هر مشکلی وقت می گیرد. باید صبر داشت.

تفسیر: سهم نفر شما کاملا رسیده. ظاهرا بیش از حد انتظار و توقع او هم رسیده. استفاده از عبارت «نعمت الهی» در وصف حکومت بر این نکته دلالت دارد. گیچ نشوید. فقط هر منوتیک سیاسی تان را کمی سوهان بنزید. خواهش می کنم.

بلاگردان برای بدکاری‌های خود استفاده می کنند و گاهی هم پای سوژه‌ی مبهمی به میان می آید که عنوان آن را «داعش» بگذاریم، «دشمنان قسم خورده‌ی این سرزمین» یا هر جن و موجود نامرئی دیگر، تفاوتی در اصل مسأله که همانا فاجعه‌ی جاری در کشور است، نمی آید. خوب است در این زمینه با مسئولین امنیتی هم سو شده و بپذیریم که در پشت همه‌ی این رخدادها، دست داعش و یا «دشمن زبون و شکست خورده» دیگری در کار است، اما تازه می رسیم به این که پس مسئولیت این بزرگان امنیتی چیست؟ چرا نباید این دشمن زبون و شکست خورده که سال‌هاست از مردم این کشور قربانی می گیرد و هنوز کماکان با همان قوت و شدت به قساوت و جلاداش ادامه می دهد، از پشت پرده بیرون شده و روی صحنه بیاید؟ چرا آن‌هایی که پرده و پشت پرده را دیده‌اند و به شکست خوردگی دشمن پشت سر آن پی برده‌اند، آن پرده را از جلوی رویش کنار نمی زنند؟ آن پرده نشین‌ها چه کسانی اند؟ یعنی آیا نمی توان این پرسش را به طور جدی مطرح کرد که آن‌هایی که به نام اداری نهادهای امنیتی و حفظ امنیت کشور، هزینه‌های هنگفتی را به مصرف می رسانند و حتا لقمه را از حلق هزاران یتیم و بیوه و درمانده‌ی این مملکت بیرون می کشند، واقعا مشغول چه کاری هستند؟ تا چه زمانی این دشمن‌های نامرئی «زبون و شکست خورده» سرنوشت این کشور و مردم را با تباهی و مرگ رقم بزنند؟ چرا این داستان تراژیک گاهی صاف و سراسر نمی شود تا شهروندان دست‌کم این را بدانند که چه کسی یا کسانی آن‌ها را می کشند. مسئولین امنیتی، نقش نظارت بر رویدادها را ندارند تا پس از هر تباهی و فاجعه‌ی، با همان فرمول همیشگی اظهار تأسف و همدردی کنند و بگویند که کار «دشمنان مردم ما» بوده و بعد همه چیز به باد فراموشی سپرده شود تا حادثه‌ی دیگری و مرگ‌های بی‌مقدار دیگری از راه برسد و جمعی را بر خاک سپاه بنشانند. آن‌ها مسئول‌اند و اگر این مسئولیت را به درستی ادا نکنند، مجرم و خاین به کشور.

و مستدل توضیح بدهند که چرا این رسوایی‌های امنیتی که هرکدام تبدیل به فاجعه‌ی می شوند، پی هم رخ می دهند؟ مسئولیت مقام‌های درجه اول امنیت ملی گذشته از اظهار تأسفی روتین و تکراری، در زمینه‌ی پیش گیری از گسترش وخامت اوضاع یا تبیین چرایی وقوع این اتفاقات در این کشور چیست؟ در بحبوحه‌ی که فاجعه‌ی دهان باز می کند و جان ده‌ها نفر را از شان می گیرد، آدرس‌های سرپوشیده و مبهمی از قوطی عطار سر بر می کشند و به نام «داعش»، ادعا می کنند که عامل این فاجعه آن‌ها بوده؛ اما درست در همین موقعیت، آگاهان مسایل امنیتی کشور، آن‌هایی که دستی در کاسه‌ی دولت ندارند و مهره‌ی از این «وحدت» به شمار نمی روند، به صراحت اظهار می دارند که داعش در افغانستان وجود ندارد. این فاصله را چگونه باید پر کرد؟ چه کسی مسئول است؟ بهانه گیری‌ها و صدور هشدارهای پیاپی از آدرس نهادهای امنیتی به خاطر جلوگیری از شکل گیری اعتراضات مدنی، در ظاهر تصویری از این نهادها عرضه می دارد که شهروندان می توانند بر اساس آن، مدال بیداری و مسئولیت داری را به مسئولین این نهادها بدهند، اما در کشاکش همین هشدار و اخطار و تهدید، فاجعه‌های سیاه و هولناکی رخ می دهند، لیکن مسئولین محترم امنیتی ککشان هم نمی گزد و گویا این چیزی است که ربطی به آن‌ها ندارد.

تردیدی نیست که وضعیت امنیتی کشور، با سرعت در سراسری و وخامت قرار گرفته است. فراتر از بدبینی‌های فردی، محاسبه‌ی اولیه از کشتارهای بی‌رویه و حوادث امنیتی در ولایت‌های مختلف کافی است تا این وخامت و دشواری به تمامی درک گردد. سران حکومت وحدت ملی و نیز مسئولین رده اول امنیتی کشور، اما، رویکردی به غایت بد و ناروا در برابر این واقعیت عینی و سرنوشت کشور برگزیده‌اند. آن‌ها گاهی همه‌ی کاسه و کوزه‌ها را بر سر حکومت‌های قبلی و گذشته‌ی تاریخی کشور می شکنند و از دهه‌های جنگ و ویرانی کشور و پس از آن سال‌های حکومت متزلزل آقای کرزی منحنیت

گمانه زنی‌ها در خصوص این که افراد دولتی با گروه طالبان در ارتباط‌اند، حرفی تازه نیست. به ویژه در سال‌های اخیر، این خبر که گویا شماری از مسئولین بلندپایه‌ی دولتی حامیان پنهان طالبان یا داعش‌اند، تبدیل به امر مسأله داری شده است. در طی رخدادهای امنیتی ناگوار سال جاری، که جان بسیاری از شهروندان در آن‌ها گرفته شد، این اتهام حتا دامن مشاور امنیت ملی رییس جمهور را نیز گرفت و گفته شد که داعش «نام مستعار» آقای اتمر است. در یکی از موارد اخیر، حمله‌ی که بر جان معاون اول ریاست جمهوری در ولایت فاریاب صورت گرفت نیز پکه‌ی دیگری به این موضوع زده شد و شخص آقای دوستم ادعا کرد که این حمله از سوی ریاست امنیت ملی سازمان دهی شده است. قدرت فزاینده‌ی طالب در سال جاری علی‌رغم ادعای بلندپروازانه‌ی حکومت وحدت ملی و مانورهای مهیب داعش یا دست‌کم رویدادهای هولناکی که به این گروه نسبت داده شد، در برابر سکوت کسانی که این اتهام به آن‌ها نسبت داده می شود، مسأله را بدون شک بغرنج تر می سازد. البته نفس همین که نهاد امنیت ملی نه فقط جهت رفع اتهام از خود، بلکه بر حسب مسئولیتی که دارد و باید به آن عمل کند، نمی خواهد روشنی و ایضاحی بر اوضاع بیندازد و پس زمینه‌های پیچیده‌ی اتفاقات امنیتی در کشور را راززدایی کند، خود می تواند کلاف ماجرا را به اندازه‌ی کافی سردرگم سازد.

رویداد تازه‌ی که در شمال کشور، در قندوز در میان نیروهای خیزش مردمی منجر به کشته شدن یک فرمانده و چهار سرباز شد، در ادامه‌ی همین داستان رخ می نماید. یعنی هر شهروندی پس از این همه اتفاق و حادثه‌ی تلخ و مشکوک، لاقلا از خود این را باید بپرسد که واقعا چه چیزی در این کشور جریان دارد؟ چرا باید در تفکیک میان نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح مخالف دولت، یا میان پاسدار و قاتل، این همه دچار سرگیجه و درماندگی شد؟ آیا از حداقل‌های حق شهروندی بر گردن مسئولین امنیت ملی کشور، یکی این نیست که به صورت منطقی

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سردبیر: خلیل پژواک
- دبیر خبر: عصمت الله سروش
- گزارشگر: الیاس نواندیش
- ویراستار: عمران راتب
- صفحه آرا: هادی دریابی
- بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ایمیل: hussainjoya2014@gmail.com
- dailyetilaatroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶
- مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲
- چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می گردد.



بگو مگو facebook



Malek Sitez

معیار اخلاق رسانه‌یی کجاست؟

رسانه نهادیست که تفکر فردی را به ذهنیت اجتماعی مبدل می‌سازد. از این رو سخنی که در رسانه‌ی جمعی گفته می‌شود، سخنی پر مسئولیت و سنگینی است. **Ethic** یا روشی وابسته به علم اخلاق از بارزترین معیارها برای رسانه‌های متعدد به ارزش‌های قانونی (حاکمیت قانون) تعیین شده است. در این روزها رسانه‌های افغانستان از رعایت این خط سرخ رسانه‌یی پا فرا گذاشته و اتهاماتی را به برخی از شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی از زبان قربانیان به‌نشر می‌رسانند. رسانه‌ها، با این روش می‌توانند بیننده‌های زیادی را به خود جلب کنند. اما به مورال گروهی از شهروندان صدمه‌ی شدید اخلاقی وارد می‌کنند. این‌جا من نیامده‌ام تا بگویم کی خوب کرد و کی بد. این کار نهادی رسمی و حقوقی است. بگذار دادگاه با اعتبار، خوب و بد را مشخص سازد.

رسانه‌ی با رسالت، خبر و تحلیل ارایه می‌کند. خبر و تحلیل باید به‌گونه‌ی حرفه‌یی و بی‌طرف تهیه و ارایه شود. هر زمانی که قربانی، ادعای اعاده‌ی حیثیت می‌کند، رسانه فقط «خبرساز» می‌شود. اما تا زمانی که دست‌گاه پیگرد و دادگاه رسمی سرنوشت قربانی و متهم را تعیین نکرده، داوری رسانه‌ها، حتا اگر در سطح اتهام باشد، می‌تواند صدمه‌ی اخلاقی به طرفین حادثه‌ی حقوقی وارد کند.

از سوی دیگر رسانه‌ها تلاش کردند تا شخصیت‌های حقیقی دومی، سومی، چهارمی و ... را در ادعای اتهام نام گرفته و ذهنیت اجتماعی را مبهم سازند. این کار رسانه‌ها معیارهای اخلاق رسانه‌یی را زیر پا می‌کند. با تاسف این اتهام‌ها از نوع بدترین آن **Imorality** یا بداخلاقی رسانه‌یی است. یعنی تجاوز جنسی که شأن و کرامت انسانی را به‌شدت صدمه می‌زند. در این جمع نامی از جناب فیض‌الله ذکی شخصیت فرهیخته برده می‌شود. کسانی که با جناب ذکی آشنا هستند، او را به‌مثابه‌ی انسان متین، با فرهنگ، با اخلاق و مستعد می‌شناسند که از یک خانواده‌ی با وقار می‌آید. به باور من نام‌بردن او به‌عنوان قربانی یک جنایت غیر انسانی (به‌دور از شواهد قانونی و فیصله‌ی دادگاه) از طریق هر رسانه‌یی بر خلاف معیار اخلاق رسانه‌یی محسوب می‌شود.

آقای ذکی به‌سان هر انسان آزاد دیگر می‌تواند فکر و روش سیاسی خود را مدیریت کند. هر سیاست‌مدار دارای وقار اجتماعی است. هیچ‌کسی حق ندارد وقار اجتماعی و کرامت انسانی شهروندی را بدون حکم دادگاه با صلاحیت خدشه‌دار سازد.



Amrullah Saleh

حل مشکل‌های کوچک

سال‌هاست اسم هر مشکل را بزرگ گذاشتیم و آن‌را بزرگ‌تر جلوه دادیم و هیچ یک از آن مشکلات که در حقیقت بزرگ نیستند حل نشد. بهتر است از مشکلات کوچک و قابل حل صحبت کنیم و در حل آن با یک دیگر همدست شویم. داشتن حس تعلق و مسئولیت یکی از نیازهای مردم ماست تا بتوانند مشکلات کوچک را حل نمایند. اما از آن‌جایی که کمتر انسان‌های این خاک بیرون از محوطه منزل خویش را ملکیت خود می‌دانند مشکلات کوچک راه حل نمی‌یابد و با گذشت زمان اضافه می‌شوند. شفاخانه‌های دولتی افغانستان به غیر از یکی دوتا استثنا همه کثیف اند و پاک سازی آن‌ها کار کوچک است اگر مردم به آن توجه کنند، ترسند و اعتراض نمایند. در شهر پنج میلیونی کابل صرفاً چهارباب تشناب عامه وجود دارد یعنی برای هر دوازده لک نفر یک تشناب است. ساختن چند باب تشناب عامه کار مشکل و مشکل بزرگ نیست. حتماً می‌دانید که نبود تشناب‌های عامه تا چه حد ملت ما را بی‌آبرو و مریض ساخته است. در کشورهای دیگر شرط ساختن رستوران این است که در کنار آن برای مراجعین تشناب ساخته شود. تمام پیاده‌روهای شهر کابل را دکانداران مسدود کرده‌اند. باز کردن این راه‌ها کار آسان است اگر ما اعتراض کنیم. تمام ساحات سبز یا تسخیر شده‌اند یا خشکه باقی مانده‌اند. سبزی‌سازی این ساحات کار بسیار آسان است. اگر دولت این کار را نمی‌تواند می‌شود به بخش خصوصی آن‌را واگذار نماید تا به‌خاطر ساختن باغ‌ها و پارک‌های خصوصی سرمایه‌گذاری صورت گیرد. اگر از ما رشوت خواستند و ما با ده نفر در برابر یک رشوت‌گیر ایستاده شویم یک کار خیلی آسان است و رشوت کاهش می‌یابد و آهسته آهسته از بین می‌رود. بیشترین مشکلاتی را که ما فکر می‌کنیم بزرگ اند در اصل خیلی کوچک اند. بیایید در حل این مشکلات کوچک هم‌دست شویم. فهرست مشکلات کوچک دراز است و امید است باقی آن‌را شما بنویسید.

اسرائیل قطع‌نامه‌ی سازمان ملل متحد را شرم آور عنوان کرده است

امریکا از اسرائیل و فلسطین خواسته تا مذاکرات در مورد صلح و راه حل دو دولت را از سر بگیرند.

ترامپ اصلاح مسیر را اعلام کرده است در همین حال دونالد ترامپ، رییس‌جمهور منتخب امریکا از رأی ممتنع کشورش در شورای امنیت فاصله گرفته و گفته است که به‌زودی در این مسیر اصلاح وارد می‌کند. ترامپ با توجه به این امر که ایالات متحده‌ی امریکا غیرمنتظره با رای منفی‌اش مانع صدور قطع‌نامه نگردیده بلکه حتا رای ممتنع داده است و باعث تصویب آن شده است، از طریق تویتر نوشته است که «پس از ۲۰ جنوری یک فضای دیگر حاکم می‌شود.»

آمده است که «شورای امنیت برای جلوگیری از کشتار نیم میلیون نفر در سوریه کاری انجام نمی‌دهد و خود را در برابر یگانه دموکراسی واقعی در شرق میانه متحد می‌سازد.»

یووال اشتاینیتس، وزیر امور انرژی اسرائیل از طریق تلویزیون این کشور گفته است: «امشب ایالات متحده امریکا، متحد و یگانه دوست‌اش را در شرق میانه تنها گذاشت.» این رفتار در میان دوستان کاری درست نیست. ایالات متحده از مهم ترین متحدان اسرائیل از چندین دهه به این طرف به شمار می‌رود. با این حال، بارک اوباما، رییس‌جمهور ایالات متحده یک رابطه بسیار سرد با نتانیاهو دارد. جان کری، وزیر امور خارجه ایالات متحده

اطلاعات روز: پس از رای ممتنع ایالات متحده در قبال سیاست شهرک‌سازی اسرائیل در شورای امنیت سازمان ملل، اسرائیل رییس‌جمهور اوباما را به خیانت متهم کرده است. وزیر خارجه آلمان اما برای موضع حکومت کشوراش با این تصویب تاییدی به‌دست آورده است.

به نقل از دویچه وله، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل قطع‌نامه‌ی شورای امنیت را ضد اسرائیل و شرم‌آور عنوان کرده و آنرا رد نمود. در این قطع‌نامه از اسرائیل تقاضا گردیده است تا گسترش شهرک‌سازی در بخش فلسطینی اردن غربی و شرق بیت‌المقدس را فوری توقف دهد. نتانیاهو گفته است که این دستورالعمل مورد اجرا قرار نمی‌گیرد. در یک اعلامیه‌ی اسرائیل

ایران و شش قدرت جهانی «اسناد محرمانه» توافق هسته‌یی را منتشر کردند

در وبسایت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین نامی از فدریکا مورگینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا منتشر شده است که انتشار اسناد توافق وین را، حدود یک سال پس از اجرای رسمی آن، تأیید می‌کند.

در این نامه اشاره‌یی به دلیل انتشار اسناد نشده است؛ اما به نوشته‌ی آسوشیتدپرس، در زمانی منتشر می‌شوند که نشانه‌هایی از سوی دولت آینده امریکا در مورد احتمال خروج آن کشور از توافق مشاهده شده است.

دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری منتخب ایالات متحده که از منتقدان توافق اتمی ایران است، از ۲۰ جنوری ۲۰۱۷ آغاز به کار خواهد کرد.

با عنوان برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام نیز یاد می‌شود - بر عهده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گذاشته شده است.

ایران و گروه ۱+۵ شامل ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، روسیه، چین و آلمان، تیر ۱۳۹۴ توافق کردند در ازای اعمال محدودیت‌های مشخص بر روی برنامه هسته‌یی تهران، بخشی از تحریم‌های آن کشور را لغو کنند.

بر اساس این توافق، ایران می‌تواند تنها اورانیوم با درصد غنای پایین که برای تولید سلاح مناسب نیست در اختیار داشته باشد و مجموع ذخایر این نوع اورانیوم هم نباید هیچ وقت از ۳۰۰ کیلوگرم فراتر رود.

اطلاعات روز: ایران و شش قدرت جهانی، در اقدامی نامعمول، اسناد مرتبط با توافق جامع هسته‌یی سال گذشته میان خود را که تا کنون محرمانه نگه داشته شده بودند، منتشر کردند.

به نوشته خبرگزاری آسوشیتدپرس، انتشار این اسناد با هدف تقویت مواضع طرفین بر پایبند بودن ایران به محدودیت‌های مندرج در توافق در زمینه غنی‌سازی اورانیوم است.

به نقل از رادیو زمانه، تاریخ برخی از این اسناد که بر روی وبسایت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفته است، به ششم جنوری ۲۰۱۶ یعنی اندکی پیش از اعلام رسمی اجرای توافق بر می‌گردد.

مسئولیت نظارت بر اجرای این توافق - که از آن

حضور نیروهای ویژه امریکایی در نبرد زمینی موصل

پشتیبانی ارتش امریکا در عملیات موصل را برعهده دارد، مأموریت جدید نیروهای امریکایی را شبیه به عملیات‌های ویژه کوچکی می‌داند که تعدادی از نیروهای ویژه ایالات متحده با نیروهای بومی مشترکاً آن‌ها را انجام می‌دهند.

در هر صورت، مشارکت فعلی سربازان امریکایی در نبرد زمینی هنوز تفاوت بسیار زیادی با نحوه مشارکت پیشین آن‌ها طی عملیات تسخیر عراق و نبردهای پس از آن با شبه‌نظامیان شیعه و سنی دارد. در آن زمان ۱۷ هزار سرباز امریکایی در عراق حضور داشتند.

عراقی در عملیات زمینی علیه نیروهای دولت اسلامی (داعش) در موصل توصیف کرد. بیش از پنج‌هزار سرباز امریکایی در عراق به‌عنوان بخشی از ائتلاف بین‌المللی علیه داعش به رهبری ایالات متحده حضور دارند. این نیروها پیش از این از مقر فرماندهی خود در بغداد مشاوره می‌دادند اما با آغاز نبرد موصل به نزدیکی این شهر آمده‌اند و در پایگاه‌های مشترک با نیروهای ارتش عراق و پیشمرگه‌های اقلیم خودمختار کردستان به سر می‌برند.

این افسر ارشد امریکایی که فرماندهی توپخانه

اطلاعات روز: گزارش‌های حاکی است که نیروهای ویژه امریکایی که برای هدایت و کمک به عملیات بازپس‌گیری موصل حضور دارند، بیش از گذشته در میان نیروهای عراقی در نبرد زمینی ادغام شده‌اند.

به نقل از رادیو زمانه، یک فرمانده نیروهای ویژه امریکایی در عراق به خبرنگاری «رویترز» گفته که این نیروها برای بازپس‌گیری هرچه سریع‌تر موصل مأموریت جدیدی یافته‌اند. او این مأموریت جدید را ادغام بیشتر در بین نیروهای

حماس و اردن از محکومیت اسرائیل در شورای امنیت استقبال کردند

سرزمین‌های تاریخی است. شورای امنیت سازمان ملل جمعه‌شب ۲۳ دسامبر در قطعنامه‌ی ضمنی محکوم کردن شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی فلسطینی خواستار توقف این شهرک‌سازی‌ها شده است.

امریکا که معمولاً در حمایت از اسرائیل چنین قطعنامه‌هایی را وتو می‌کند به این قطع‌نامه رای ممتنع داد و ۱۴ عضو دیگر شورای امنیت به آن رای مثبت دادند.

اردن هم از قطع‌نامه‌ی «تاریخی» شورای امنیت سازمان ملل استقبال کرده و گفته است که این اقدام راه را برای عملی شدن راه حل تشکیل دو دولت فلسطینی و اسرائیل را هموار کرده است.

وزیر اطلاع رسانی اردن گفته است: «این تصمیم تاریخی حاکی از اجماع جامعه بین‌المللی در مورد غیرقانونی بودن شهرک‌سازی‌های اسرائیل است و این تصمیم شورای امنیت تایید کننده حق تاریخی مردم فلسطین برای زندگی در بیت‌المقدس و

اطلاعات روز: جنبش فلسطینی حماس از قطع‌نامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل در مورد توقف شهرک‌سازی اسرائیل در نواحی اشغالی فلسطینی استقبال کرده است.

حماس در بیانیه‌یی از کشورهای که به این قطع‌نامه رای داده‌اند، تقدیر کرده است.

به نقل از بی‌بی‌سی، در این بیانیه همچنین بر ضرورت انجام اقدامات بیشتر برای پایان دادن به اشغال این مناطق از سوی اسرائیل تاکید شده است.

هشدار پولیس فدرال امریکا درباره‌ی حملات احتمالی داعش در کریسمس

توصیف شده که باید به چه چیزهایی مشکوک بود و آن‌ها را به پولیس گزارش کرد.

با حمله یک کامیون به بازارچه کریسمس در برلین، نگرانی از افزایش حملات به مراسم مذهبی مسیحیان در ایام کریسمس افزایش یافته است.

مظنون اصلی این حمله در ایتالیا کشته شده است.

متعلق به گروه موسوم به دولت اسلامی منتشر شده و داعش از هوادارانش خواسته در تعطیلات کریسمس به تجمعات مردمی از جمله مراسم کلیساها حمله کنند.

اف‌بی‌آی گفته است که درباره این فهرست مشغول تحقیق است.

در اطلاعیه‌ی پولیس فدرال امریکا نشانه‌هایی

اطلاعات روز: اف‌بی‌آی به دفتر پولیس محلی در ایالات مختلف امریکا هشدار داده که مراقب حملات احتمالی گروهی موسوم به دولت اسلامی (داعش) به کلیساها در ایام کریسمس باشند.

پولیس فدرال امریکا گفته صرفاً برای احتیاط این هشدار را صادر کرده است.

اخیرا فهرستی از کلیساهای امریکا در سایت‌های

دستگیری سه فرد مرتبط به مظنون اصلی حمله‌ی تروریستی برلین

میلان ایتالیا کشته شد.

در جریان حمله‌ی مرگبار روز دوشنبه به بازارچه‌ی کریسمس در پایتخت آلمان، دست کم ۱۲ تن کشته و ۴۹ نفر دیگر زخمی شدند که حال برخی از آن‌ها وخیم گزارش شده است.

به نقل از یورو نیوز، وزارت داخله‌ی تونس با اعلام این خبر در بیانیه‌یی تصریح کرد افراد دستگیر شده مظنون به عضویت در یک هسته‌ی تروریستی مرتبط با عامل حمله برلین هستند که روز جمعه توسط پلیس ایتالیا در نزدیکی شهر

اطلاعات روز: سه فرد مرتبط با انیس عامری، مظنون اصلی حمله‌ی تروریستی در شهر برلین که یکی از آنها برادرزاده اوست، روز جمعه توسط مقامات امنیتی در تونس دستگیر و بازداشت شدند.



کلوپ: بازیکنی که به دنبال پول باشد رانمی‌خریم

کلوپ در جنوری قصد جذب جولین دراکسلر را داشت ولی به نظر می‌رسد هافبک ولفسبورگ پیشنهاد پاری سن ژرمن که از نظر مالی بهتر بوده را قبول کرده و راهی این تیم خواهد شد. حال کلوپ مدعی شد که علاقه‌ی بی به جذب بازیکنانی که پول را به شخصیت باشگاه ترجیح می‌دهند ندارد.

او گفت: «ما به این نتیجه رسیدیم که اگر بازیکنی به دنبال پول است و آن را به شخصیت باشگاه ترجیح می‌دهد، جایی در تیم ما ندارد. بازیکنان باید بدانند که اینجا حقوق خوبی دریافت خواهند کرد، حقوقی منطقی ولی ما کار احمقانه‌ی نخواهیم کرد. قصدمان این است که با شخصیت استثنایی باشگاه آن‌ها را متقاعد به حضور کنیم.»

کلوپ همچنین معتقد است که پول دلیل خوبی برای جدایی از لیورپول نیست. او ادامه داد: «هیچ‌کس نباید به خاطر پول لیورپول را ترک کند. باشگاه‌های معدودی هستند که بهتر از ما بازی می‌کنند و اگر بازیکنان می‌توانند در آن‌ها حضور بیابند پس بهتر است بروند ولی برای دیگر بازیکنان اینجا بهترین تیم است. لیورپول بهترین باشگاه برای رسیدن به اوج فوتبال‌تان است و بهترین بازی‌های‌تان را انجام خواهد داد. بهترین تیم جهان تغییر زیادی در خود ایجاد نمی‌کند. چند بازیکن خوب اضافه می‌کند و بازیکنان در کنار هم پیشرفت می‌کنند و در پایان، روزهایی فوق‌العاده رقم خواهد خورد.»

دراکسلر به پاری سن ژرمن پیوست

باشگاه ولفسبورگ تایید کرد که جولین دراکسلر، هافبک این تیم با قراردادی به اعتبار ۴ سال و نیم به پاری سن ژرمن پیوسته است.

قهرمان فرانسه برای جذب هافبک آلمانی ۳۵ میلیون یورو پرداخت کرده است و بندهایی نیز در این قرارداد وجود دارد که ممکن است ۱۰ میلیون یورو به این رقم بیفزاید. این در حالیست که باشگاه‌های آرسنال، لیورپول و یوونتوس نیز به دنبال جذب او بودند ولی به نظری‌رسد حقوق پیشنهادی خوب پاری سن ژرمن را او وسوسه کرده تا راهی پاریس شود.

والرین اسماعیل، سرمربی ولفسبورگ گفت: «البته که از رفتن جولین ناراحتیم زیرا او بازیکن فوق‌العاده‌ی بود. در بازی‌های اخیر با تمام وجود بازی کرد و نشان داد که این باشگاه برایش جایگاه ویژه‌ی دارد. امیدوارم انتقالش به فرانسه چالش جدیدی پیش رویش قرار دهد.»

هیتسفلدر

آینده متعلق به توخل است

اوتمار هیتسفلدر، سرمربی سابق دورتموند به تمجید از توماس توخل پرداخت و آینده را متعلق به او خواند. توخل ۴۳ ساله از زمان در دست گرفتن سکان هدایت دورتموند بارها مورد تعریف و تمجید قرار گرفته ولی این فصل با قرار گرفتن در فاصله ۱۲ امتیازی صدرنشین یعنی بایرن، کمی تحت فشار است. حال هیتسفلدر به تمجید از او پرداخت و او را بهترین مربی فوتبال مدرن خواند.

او گفت: «همه چیز به موفقیت بستگی دارد ولی توماس توخل تا به حال عالی کار کرده است همه‌ی درها به روی او باز است. آینده متعلق به اوست.»

هیتسفلدر سپس به تمجید از یواخیم لوو پرداخت و گفت: «یوگی فوتبال آلمان را رو به جلو حرکت داده است ولی فعلا تاکتیک حرف اول را در فوتبال می‌زند و اسپانیا از این جهت جلوتر از دیگر تیم‌هاست.»

کاستا: عاشق تقابل با

راموس و پیه پیه بودم

دیگو کاستا، مهاجم چلسی مدعی شد که از بازی کردن مقابل رئال مادرید و تقابل با سرخو راموس و پیه لذت می‌برده است. مهاجم برزیلی الاصل سال ۲۰۰۷ به اتلتیکو پیوست و بارها مقابل رئال مادرید قرار گرفت. حال او مدعی شد که از تقابل با رئال و مدافعی‌ش و همچنین درگیری‌هایی که در آن زمان برای‌شان پیش می‌آمده لذت می‌برده است.

او گفت: «من عاشق تقابل با رئال مادرید و روبرو شدن با پیه پیه و راموس بودم. جنگ خیلی خوبی بین ما بود و همیشه با هم مشکل داشتیم. به شما تضمین می‌دهم که آن‌ها هم به دلایلی روبرو شدن با من را دوست داشتند. وقتی پا به زمین می‌گذاشتیم می‌دانستیم که بازی سختی پیش رو داریم ولی مهم‌ترین چیز وفاداری بود.»

آن‌ها با قدرت در زمین ظاهر می‌شدند، من هم همین‌طور. تقابل با آن‌ها همیشه پر از اصطکاک بود. همیشه همراه با توهین و ضربه زدن بود ولی در پایان بازی، همیشه با هم خوش و بش می‌کردیم و مشکلی نداشتیم. حالا با راموس در تیم ملی هم‌بازی هستم و در مورد این‌که دیگر با هم تقابلی نداریم شوخی می‌کنیم.»

ونگر: پایان فصل

در مورد آینده‌ام تصمیم می‌گیرم

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال تایید کرد که در پایان فصل در مورد آینده‌اش در آرسنال تصمیم‌گیری خواهد کرد. قرارداد ونگر در تابستان ۲۰۱۷ به پایان می‌رسد و سرمربی فرانسوی، بیستمین سال حضورش در آرسنال را به پایان می‌رساند. با این حال او عجله‌ی بی برای تمدید قراردادش با آرسنال ندارد.

او گفت: «چندین بار گفته‌ام که تا بهار صبر می‌کنم و در آن موقع و با بررسی وضعیت و جایگاهم تصمیم‌گیری خواهم کرد. باشگاه نیز آزاد است هر تصمیمی بگیرد. این‌که من مدت‌هاست اینجا هستم دلیل نمی‌شود که حقی داشته باشم. هر دو طرف در یک سو قرار داریم. خیلی از مربیان در پایان فصل در مورد آینده‌شان تصمیم‌گیری می‌کنند و تمدید می‌کنند. پیش‌تر نیز در ماه اپریل و مارچ قراردادم را تمدید کرده‌ام و فکر نمی‌کنم مشکلی پیش بیاید.»

گیگز: نزدیک بود به خاطر کونته با فرگی درگیر شوم

متحمل شدم. بعد از آن بازی متوجه شدم که قدرت رهبری به طور ذاتی در کونته وجود دارد و من رفتار آن موقع ستاره یوونتوس را در چلسی فعلی مشاهده می‌کنم. نکته مهم این است که یوونتوس آن مقطع نیز بر پایه یک دفاع منسجم بنا شده بود و بازیکنانی خشن و تهاجمی مانند پائولو منترو و چیرو فرارا در آن تیم بازی می‌کردند که با مدافعان کنونی چلسی سبک بازی متفاوتی دارند.»

رایان گیگز، ستاره ولزی و سابق شیاطین سرخ معتقد است از زمان بازی کردن از قدرت رهبری کونته آگاه بوده است. رایان گیگز برای اثبات این تفکر، خاطره‌ی از دیدار منچستر یونایتد و یوونتوس در سال ۱۹۹۶ تعریف کرد که منجر به پیروزی ۱-۰ یووه شد و او در مقابل خط میانی قدرتمند یووه شامل زیدان، دشان و کونته ناکام بوده است.

رایان گیگز، ستاره ولزی و سابق شیاطین سرخ معتقد است از زمان بازی کردن از قدرت رهبری کونته آگاه بوده است.

رایان گیگز برای اثبات این تفکر، خاطره‌ی از دیدار منچستر یونایتد و یوونتوس در سال ۱۹۹۶ تعریف کرد که منجر به پیروزی ۱-۰ یووه شد و او در مقابل خط میانی قدرتمند یووه شامل زیدان، دشان و کونته ناکام بوده است.

مورینیو: جدایی زلاتان از PSG به نفع فرانسه شد

زلاتان، در واقع لیگی به معنای واقعی در فرانسه وجود نداشت و همه چیز در او و پاری سن ژرمن خلاصه می‌شد. لیگ، جام حذفی، جام اتحادیه و سوپرکاپ تحت سیطره PSG بود. حالا با رفتن زلاتان، ما لیگی پویا و جذاب در فرانسه می‌بینیم که خود من هم راغب به تماشای بازی‌هایش هستم. نیس با بالوتلی، موناکو با مربی‌گری دوست خوبم، ژاردیم؛ همچنین پاری سن ژرمن، رقابت خوب و نزدیکی برای قهرمانی دارند.»

در ۳۱ بازی موفق به زدن ۳۸ گل برای PSG شد و کمک کرد این تیم برای چهارمین سال متوالی قهرمان فرانسه شود. زلاتان در یونایتد نیز ۱۶ گل در همه رقابت‌ها به ثمر رسانده است. مورینیو، سرمربی شیاطین سرخ در مصاحبه جدید خود در مورد زلاتان گفت: «معتقدم مردم فرانسه به خاطر جدایی زلاتان باید خوشحال باشند؛ چرا که حالا آن‌ها یک لیگ واقعی در اختیار دارند. با

زلاتان ابراهیموویچ، فوق ستاره سوئدی، پس از ۴ فصل حضور درخشان در پاری سن ژرمن تابستان امسال به عنوان بازیکن آزاد به منچستر یونایتد پیوست.

پاری سن ژرمن با زلاتان هر فصل معمولاً فاتح مطلق لوشامپیونه و دیگر جام‌های کشور فرانسه می‌شد.

این مهاجم برجسته تمام رکوردهای گولزنی در تاریخ این باشگاه را جابه جا کرد. او فصل گذشته

لمپارد: منتظر رسیدن پیشنهاد چلسی هستم

در این باشگاه فعالیت کنم چراکه چلسی باشگاه بزرگی برای من محسوب می‌شود و همیشه در قلب من جا دارد. وقتی در این باشگاه هستم احساس آرامش می‌کنم. این درست نیست که از حالا بخواهم چلسی را قهرمان لیگ برتر بدانم. به نظر من ۵-۴ تیم برای قهرمانی تلاش می‌کنند که چهره این تیم‌ها مشخص شده و شاید پایان ماه فبروری یا مارچ بتوانیم خیلی راحت‌تر درباره قهرمان این فصل لیگ برتر صحبت کنیم.»

خداحافظی ندارد و حتی منتظر دریافت پیشنهاد ۵ ساله برای فوتبال بازی کردن است. او درباره این موضوع گفت: «من هنوز منتظر دریافت پیشنهاد ۵ ساله از چلسی هستم. درست است که حالا ۳۸ سال سن دارم اما توانایی بازی کردن دارم. از حضور در چلسی و دیدار با هم‌تیمی‌های سابق و دوستانم خیلی خوشحال شدم. دیدن جان تری برایم خیلی لذت بخش بود. امیدوارم که پیشنهاد بازی برای چلسی را دریافت کنم. البته در هر پستی که چلسی بخواهد حاضرم

فرانک لمپارد عنوان کرد که حاضر است همین حالا با قراردادی ۵ ساله به چلسی بیايد و برای این تیم بازی کند.

فرانک لمپارد از زمان جدایی از نیویورک سیتی تاکنون بدون تیم بوده و هفته گذشته با حضور در تمرین چلسی با هم‌تیمی‌های سابقش روبرو شد و به تمرین پرداخت تا آمادگی خودش را حفظ کند. با وجود آن‌که خیلی‌ها انتظار داشتند لمپارد نیز مثل جرارد خداحافظی خودش را از فوتبال اعلام کند اما اسطوره تیم آبی‌پوش شهر لندن می‌گوید قصد

کلیشی: پپ در حال وفق یافتن با لیگ برتر است

چه می‌شود. این را باور داریم، بعد از بازی با واتفورد چیزهایی تغییر کرد؛ اما به این درک رسیده‌ایم که قرار نیست گاهی در برخی بازی‌ها ۵ بر صفر یا ۶ بر صفر پیروز شد. داشتن مالکیت توپ خوب است، اما کافی نیست. همه می‌گویند بعضی بازی‌ها ۶ امتیازی هستند، بردن در آن بازی‌ها مهم است و نباید اجازه دهیم که فاصله‌مان با تیم صدرنشین که چلسی است بیشتر شود.»

جدول با اختلاف ۸ امتیازی از آبی‌های استمفوردبرج هستند. گائل کلیشی، مدافع من سیتی معتقد است گواردیولا هنوز در حال هماهنگ شدن با سیستم فوتبال انگلیس است او در مصاحبه با اسکای اسپورتنس گفت: «فکر نمی‌کنم این بهترین نمایشی باشد که ما می‌توانیم ارائه دهیم. گواردیولا هنوز در حال هماهنگ شدن با سیستم فوتبال جزیره است. باید صبر کنیم و ببینیم

پپ گواردیولا از تابستان امسال هدایت منچستر سیتی را بر عهده گرفته با این حال هنوز نتوانسته نتایجی که با بارسلونا و بایرن مونیخ کسب کرده بود را در تیم جدید خود تکرار کند.

گواردیولا شروعی طوفانی در سیتی داشت و توانست ۱۰ برد متوالی با این تیم کسب کند؛ با این حال به تدریج افت سبب‌ن‌ها شروع شد تا جاییکه آن‌ها صدر را به چلسی واگذار کرده و در حال حاضر تیم سوم

انریکه: در بارسا نباشم. جای دیگر هم نخواهم بود

گفت: «قراردادم انتهای فصل به اتمام می‌رسد ولی هنوز وقت برای مذاکره باقی است. از یک چیز مطمئنم؛ اگر در بارسلونا نباشم، در تیم دیگری هم نخواهم بود. مربی‌گری در بارسلونا بهترین اتفاق ممکن است. بارسا بهترین تیم و بازیکنان را در اختیار دارد؛ هرچند که هدایت این تیم کار ساده‌ی نیست.»

دهد. لوئیس انریکه در این مورد گفت: «واضح است که نسبت به رئال اختلاف امتیاز داریم ولی هدف ما این است که خودمان را به صدرنشین نزدیک کنیم. معتقدم این توانایی را داریم که موقعیت کنونی را تغییر دهیم.» انریکه در مورد تمدید قرارداد خود با بارسلونا

لوئیس انریکه، سرمربی بارسلونا در مصاحبه با شبکه اختصاصی بارسلونا به سوالات مختلفی پاسخ گفت. بارسلونا سال ۲۰۱۶ را با ۳ امتیاز اختلاف نسبت به رئال و البته با یک بازی بیشتر نسبت به این تیم تمام کرد. تساوی در آخرین ال‌کلاسیکو اجازه نداد تا بارسا بتواند فاصله خود با رئال را کاهش



دونالد ترامپ و سیلیکون ولی دوروی یک سکه اند

دونالد ترامپ ترس می فروشد و سیلیکون ولی خوش بینی: ایدئولوژی‌هایی متضاد، اما راهی واحد



Guardian / بن تارنوف

ترجمه: محمد ملا عباسی

گاردین - رهبران سیلیکون ولی دیداری رسمی با دونالد ترامپ خواهند داشت. انتظار می‌رود که لری پیچ، تیم کوک، ایلان ماسک و شریل سندبرگ همگی حضور داشته باشند. دستور جلسه مشخص نیست، اما از شرایط برمی‌آید که جلسه پرتنش باشد. از هرچه بگذریم، مدیران سیلیکون ولی خودشان را برای حمایت از کلیتتون کشتند و آشکارا دربارهٔ خطراتی فریاد کشیدند که رئیس‌جمهور شدن ترامپ می‌تواند به بار آورد. ترامپ نیز در طول کارزار انتخاباتی‌اش مرتباً به سیلیکون ولی می‌تازید و می‌گفت خجالت‌آور است که این پاره‌هایشان را آن سوی دریاها می‌سازند و از کشورهای بیگانه واردات مهندس راه انداخته‌اند.

اما دنیای تکنولوژی دلیلی برای ترسیدن از ترامپ ندارد. اگر انتصابات او برای کابینه‌اش معنایی داشته باشد، این است که او از قرار معلوم دلش می‌خواهد همچون یکی از بنیادگرایان بازار آزاد حکومت کند، مالیات‌ها را قطع کند و مقررات‌زدایی را تا مغز استخوان ادامه دهد. نشان دادن آن خروس جنگی‌های بازنشسته روی صندلی‌های کلیدی کابینه نیز نشانه آن است که ترامپ دولت تجسسگری راه که میراث او با ما است، با پر خاشاک‌گری گسترش خواهد داد. این مزه مزه سر مست‌کننده‌ای برای کمپانی‌هایی مانند پالانتیر است که به سیبا، ان.اس.ای و دیگر آژانس‌های امنیتی لوازم پردازش داده می‌فروشند. پالانتیر را پیتر تیل راه انداخت، میلیاردری که همکارانش در سیلیکون ولی را طلاق داد تا ترامپ را به آغوش بکشد. تیل حالا در صدر تیم انتقالی نشسته است و مأموریت خود را برای جذب دایره‌ای از هم‌پیمان‌های تکنولوژیک در مدار ترامپ آغاز کرده است. او و رفقاییش قرار است پول‌های کلانی به جیب بزنند.

این تازه اول سورسات است، بسته به اینکه تمایل ترامپ به سرکوب‌های داخلی تا کجا باشد، احتمال آن می‌رود که سیلیکون ولی حتی از فرصت‌های خیره‌کننده‌تری در بازار بهره‌مند شود. برای مثال، برپا کردن سازوکاری برای ثبت احوال تمام مسلمانانی که در ایالات متحده زندگی می‌کنند بی‌تردید نیازمند زیرساخت‌ها و مهارت‌های تکنولوژیک شایان توجهی است. اینترسپت از نه شرکت کلان تکنولوژیک پرسید که آیا در ساخت چنین سازوکاری برای ثبت احوال مسلمانان شرکت می‌کنند یا نه که تنها جواب تویتر منفی بود. آن‌طور که معلوم است، کاسهٔ این خشم پرهیزکارانه دارد لبریز می‌شود.

اما دلیلی دیگر و عمیق‌تر وجود دارد که ثابت می‌کند چرا ترامپ و تکنولوژی شدیداً با همدیگر سازگار خواهند بود. ماجرا فقط این نیست که مدیرعاملان شرکت‌های تکنولوژیک در دوران ترامپ به نان‌ونوایی خواهند رسید؛ ماجرا این است که این جهان‌بینی را می‌توان در یک کلمه تلخیص کرد: نئولیبرالیسم. نئولیبرالیسم می‌تواند خیلی معناها داشته باشد؛ می‌تواند برنامه‌ای اقتصادی باشد یا طرحی سیاسی باشد یا مرحله‌ای از سرمایه‌داری از دههٔ ۱۹۷۰ بدین سو به حساب آید. اما اگر به ریشهٔ قصه برگردیم، نئولیبرالیسم ایده‌ای است که می‌گوید همه چیز را باید همچون یک کسب‌وکار اداره کرد، اینکه استعاره‌ها، سنجها و ورزها بازار باید در تمام حوزه‌های زندگی بشر تسری داده شود.

ترامپ تجسم نسخه‌ای افراطی از همان جهان‌بینی‌ای

اصلی ترامپیسم این است: گزارهٔ سیاسی‌ای هیچ صنعتی به اندازهٔ سیلیکون ولی در ایمان به بشارت این منجی نئولیبرال نقش نداشته است. ترامپ در کارزار انتخاباتی‌اش خارج از گود به نظر می‌رسیده، اما جاذبه‌اش در صمیم قلب همگان ریشه داشته است.

اگر ترامپ تجسمی از ایده‌های نئولیبرالیسم باشد، پیروزی او در عین حال انعکاسی است از شورش علیه سیاست‌های نئولیبرال. سرمایه‌داری افسارگسیخته، که از نئولیبرالیسم تغذیه کرده، عصری از ماریج‌های نابرابری را به بار آورده است: درآمد‌های راکد، چشم‌انداز روبه‌افول زندگی و سیستم سیاسی روبه‌رشدی که دموکراسی را پشت سر نهاده است و کمابیش آشکارا به الیگارشی تبدیل شده است. این چیزها مردم را به خشم آورده است و ترامپ بر موج این خشم نشسته و انتخاب شده است.

طنز تلخ این است که ترامپ بحرانی را که او را به قدرت رسانده است تشدید خواهد کرد. درمان او برای فاجعهٔ اجتماعی‌ای که نئولیبرالیسم به بار آورده است جریان شدیدتری از نئولیبرالیسم است.

ترامپ مثل دکتری دیوانه است که، وقتی می‌بیند داروی تجویزی‌اش مریض را تا دم مرگ رسانده است، تصمیم می‌گیرد دوز دارو را دو برابر کند تا شاید حال بیمارش بهتر شود. آیا زنده خواهیم ماند؟ این بستگی به منازعهٔ سیاسی‌ای دارد که پیش روست: نه تنها در خیابان‌ها و ادارات دولتی بلکه در سطح ایده‌ها و افکار هم همین‌طور. شکست نئولیبرالیسم نه تنها نیازمند خلق جنبش‌های جدید است، بلکه نیازمند ایجاد نوعی عقل سلیم تازه است. کانون این عقل سلیم باید آن باشد که دموکراسی، در مقایسه با بازار، راه بهتری برای حکومت کردن است. اینکه همه چیز فروشی نیست.

منبع: ترجمان

است که سیلیکون ولی نمایندهٔ آن است نقش نداشته است. کارآفرینان آن دائماً راه‌های تازه‌ای پیدا می‌کنند تا زندگی ما را به درون بازار بکشند. چند دهه قبل، خبرگرفتن از دوستانتان هیچ ارزش اقتصادی‌ای نداشت، اما حالا؟ اساس شرکی ۳۵۰ میلیارد دلاری است. عکس‌های داخل آلبوم، ترجیحاتمان برای انتخاب همدم، عادات زشتمان و حتی گتره‌های‌ترین و مضحک‌ترین افکارمان حالا همگی معدن‌هایی از داده‌هایی بالقوه ارزشمند هستند که برای عایدات تبلیغاتی‌شان حفاری می‌شوند. ما را تشویق می‌کنند که خودمان را قطعه‌ای از سرمایهٔ انسانی تصور کنیم که باید بلاانقطاع ارزش خود را ارتقا دهد: فیدخوان‌ها و پروفایل‌های بیشتری بسازیم و فالوئر‌ها، لایک‌ها و فیوهای بیشتری را جلب کنیم.

اگر سیلیکون ولی زندگی ما را به نوعی کسب‌وکار تبدیل کرده است، حالا ترامپ امیدوار است که حکومت را به کسب‌وکار تبدیل کند. مانند همهٔ ایده‌های دیگر ترامپ، این چیزی برآمده از ذهن خودش نیست. در طول دهه‌ها، سیاست‌مداران نئولیبرال، در هر دو حزب، این تلقی را تقویت می‌کردند که حکومت نباید صرفاً حامی کسب‌وکار باشد، بلکه خودش باید همچون نوعی کسب‌وکار عمل کند. استدلال می‌کردند که خدمات عمومی باید خصوصی‌سازی شود یا حداقل «کارآمدی» بخش خصوصی را الگویی خودش قرار دهد. ادعا می‌کردند که تجارت والاترین شکل کوشش بشری است و، حال که چنین است، نقش حکومت تقویت و تقلید از آن است.

درواقع، این ایده‌ها در چهار دههٔ گذشته چنان مسلط شدند که امروزه همهٔ سیاست‌مداران متعارف روی آن‌ها توافق دارند. اما هیچ‌کس به اندازهٔ ترامپ آن‌ها را عملی نکرده است. دستورالعملی



داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

1 مسافری محترم آریانا میتوانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.

2 سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم میتوانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.

3 شرکت های سیاحتی میتوانند برای مسافری گروپی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.

